

بسم الله الرحمن الرحيم

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۴۰۲

- ۰۱- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)-۱۵ فروردین ۱۴۰۲
- ۰۲- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۱۹ فروردین ۱۴۰۲
- ۰۳- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۲۱ فروردین ۱۴۰۲
- ۰۴- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۲۳ فروردین ۱۴۰۲
- ۰۵- دل نوشته ی شب ۲۳ رمضان شب قدر- ۲۳ فروردین ۱۴۰۲
- ۰۶- خطبه‌ی عید فطر- ۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۰۷- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)- ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۰۸- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)- ۹ خرداد ۱۴۰۲
- ۰۹- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)- ۲۸ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۰- خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)- ۴ تیر ۱۴۰۲
- ۱۱- خطبه‌ی روز عرفه- ۶ تیر ۱۴۰۲
- ۱۲- خطبه‌ی عید قربان- ۷ تیر ۱۴۰۲
- ۱۳- خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)- ۱۲ تیر ۱۴۰۲
- ۱۴- خطبه‌ی عید غدیر- ۱۶ تیر ۱۴۰۲
- ۱۵- خطبه‌های محرم و صفر- تیر، مرداد و شهریور ۱۴۰۲
- ۱۶- خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)- ۳۱ مرداد ۱۴۰۲
- ۱۷- خطبه‌ی روز اربعین- ۱۴ شهریور ۱۴۰۲

۱۸- خطبه‌ی رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن (ع) - ۲۲ شهریور ۱۴۰۲

۱۹- خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع) - ۲۳ شهریور ۱۴۰۲

۲۰- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع) - ۳۱ شهریور ۱۴۰۲

۲۱- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج) - ۱ مهر ۱۴۰۲

۲۲- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) - ۸ مهر ۱۴۰۲

۲۳- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع) - ۳۰ مهر ۱۴۰۲

۲۴- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س) - ۲۶ آبان ۱۴۰۲

۲۵- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت اول - ۴ آذر ۱۴۰۲

۲۶- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم - ۲۶ آذر ۱۴۰۲

۲۷- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س) - ۱۱ دی ۱۴۰۲

۲۸- خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع) - ۲۰ دی ۱۴۰۲

۲۹- خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع) - ۲۳ دی ۱۴۰۲

۳۰- خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) - ۳۰ دی ۱۴۰۲

۳۱- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع) - ۳ بهمن ۱۴۰۲

۳۲- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س) - ۵ بهمن ۱۴۰۲

۳۳- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع) - ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

۳۴- خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س) - ۲۰ بهمن ۱۴۰۲

۳۵- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه - ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۳۶- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج) - ۵ اسفند ۱۴۰۲

۳۷- خطبه ی شب اول رمضان- ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵ فروردین ۱۴۰۲

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

حمد مخلوقات عالم بر آستان کبریایی خالق باد که از مهر بی‌پایانش چشمه‌ی هدایت را جوشاند و بر سرچشمه‌ی لطفش پیامبران را هادی انسان‌ها نام نهاد تا با هدایتشان جان فرو افتاده از ملکوت را بر سرمنزل عافیت رهنمون شوند.

ولی افسوس با وجود تلاش و زحمات عاشقانه‌ی پیامبران خیلی از انسان‌ها هدایت شده و کثیری هدایت را پذیرا نشده نه تنها به ملکوتی که از آن آمده بودند سفر نکردند بلکه عمرشان در ظلمت جهل خود ساخته‌شان به آخر رسید. شکر پروردگار رحمان را که از سر لطف و احسانش راه هدایت و نجات را به وسیله‌ی برگزیدگانش منور نمود تا آنانی که طالب رستگاری هستند از آن صراط مستقیم حرکت کنند. بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر هر چیزی تواناست. خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدامیک نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده‌ی گناهان بندگان است. بندگان که همواره حیاتشان را با انوار پروردگارشان جاودانه می‌سازند.

پس آیینی وجود را در مقابل نور هدایت قرآن کریم قرار بدهید تا نوری افزون بر نور دیگر در سینه‌ی شما به وجود آید که حرارتش مخصوص است. به هیچیک از عوامل زیستی مربوط نمی‌شود یعنی در کرانه‌های محدود وجود محدود نمی‌شود. باختر و خاور وجود جسمانی نمی‌تواند آن را محدود کند. چون سوخت این نور معجزه‌ای است از الطاف پروردگار کریم که هر کس از بندگان که بتواند در صراط مستقیم که هدایت پیامبران الهی به طرف آن صراط است حرکت کند و نوری افزون بر نوری بر وجودشان که چون آبگینه‌ای از صفات الهی است قرار دهند. پس وجود انسان که وجودی از نظر ماده محدود و از نظر روح غیر محدود است می‌تواند تا در راه معرفت الهی تا بی‌نهایت رشد و معرفت کسب کند.

سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) چه زیبا آیه‌ی مبارکه‌ی مشکات را تفسیر و عمل به آن را سفارش فرمودند.

سلام باد بر جانشینان پیامبر خاتم، حضرت رسول اکرم، محمد مصطفی (ص) و بر عزم ملکوتی‌شان که همواره جان مبارکشان را فدای نجات انسان‌های در بند نفس اماره کردند تا جوهره‌ی وجودی‌شان متبلور شود و از ظلمت به نور هدایت شوند.

در این شب مبارک به میلاد یکی از آن جانشینان در این خانه‌ی مقدس حضور داریم و این شب چه شب مبارک و خجسته‌ای است. شب نیمه‌ی ماه رحمت و کرامت، ماه گستردگی خوان نعمت الهی، ماه رمضان، میلاد دومین نور ولایت و امامت، کریم اهل‌بیت، اسوه‌ی صبر و گذشت، بلندای رضا و شکیبایی، حضرت امام حسن (ع) است که در مورد شخصیت والای ایشان بهره می‌گیریم از فرمایشات مادر گرامی‌شان، کوثر الهی، سرور عالمیان، حضرت زهرا (س) که پس از در آغوش گرفتن فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی (ع) چنین فرمودند:

بار دیگر حرارت قلبم را در جسم خاکی جانم آن‌چنان حس کردم که ملکوتیان عرضه داشتند ای دخت پیامبر در جان مبارکتان چه اسراری شکوفا شد که این‌چنین به سخن درآمد و من پاسخ دادم آنگاه که پروردگارم امر فرمود من خلیفه‌ای می‌آفرینم، صورتی مطهر نمایان گشت. همگان به تماشایش سرمست گشتند و پروردگار فرمود: این نقش را به خاطر بسپارید تا راز عشق را آشکار سازم. همگان سر تسلیم فرود آوردند. آن نقش در جان من جای گرفت و نامش آشکار گردید پس نام حسن آشکار کننده‌ی حسن خلقت است در نقش‌پذیری صورت خلیفه. تمام نقش‌ها نشان از خالق مدبر دارند که آمدنشان امر پروردگار را در قالب جان‌ها به نمایش ختم کند و آن ضربان قلب‌ها را به یک ضربان ختم می‌کند و آن ضربان توحید است. پس محبت به فرزندان من، محبت به خلقتی با عظمت است پس نامشان را زینت جانتان کنید و همواره حرارت محبت پروردگارتان را در قالب سینه‌تان حس کنید.

سرور عالمیان در مورد آخرین فرزندشان که گهر یکتای خلقت است نیز چنین فرمودند: انتظار آن زمان که صدای حق طنین‌انداز می‌شود و پروردگار عالم گوش جان‌ها را

می‌شکافد تا تمام پرده‌های عقلت دریده شود و صدایی همچون ندای نرم بارانی در بهار گوش جان‌ها را بنوازد: ای منتظرانم، منم آن وعده‌ی شیرین پروردگار عالم که نامم گوش زمان را شنوا می‌سازد و همگان را به دیدن حکومتی می‌خواند که تختش انوار قرآن کریم است. پس سلام بر آمدنش که حق است و بر منتظرانش که توان جانشان قادر به درک دولتی است که در آن باطل نابود می‌شود و آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که می‌فرماید: **جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ** بر سینه‌ی زمان جاودانه نقش می‌بندد.

اینک در ادامه پیش‌بینی امیر مؤمنان علی (ع) از امت آخرالزمان را نقل می‌کنیم که فرمودند: آخرین فرزندانم حضرت مهدی (عج) به انکار امامتش در پرده‌ی غیب خواهد رفت و اُمت آخرالزمان نامش را دوست خواهند داشت و امامتش را در باطن جان نخواهند پذیرفت زیرا بر تنهایی‌اش می‌نالند و از اطاعتش همانند یاران پسر حسن می‌گریزند و گریز آنان زمانشان را به جاهلیت پیوند خواهد داد و به زمانی که دختران را زنده به گور می‌کردند، آنان نیز جانشان را زنده زنده در گور زمان خواهند گذاشت و این در تمام اقوام و قوم‌های پیشین یافت نمی‌شود زیرا پنهان کردن حق پس از آشکار شدنش جزای سنگینی دارد و امامشان آنان را از وصایای پیامبرشان آگاه خواهد کرد زیرا جان مطهرش مزین به تمام معجزات پیامبران در تمام عصرها و دوران‌هاست. اینک او را می‌خوانیم تا نام زیبایش غیبی را بگشاید که باطل در آن راهی ندارد پس او را می‌خوانیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

۱۹ فروردین ۱۴۰۲

الحمد لله رب العالمین بر آمدن سفره‌ی احسان الهی، بر انوار کتاب آسمانی قرآن کریم آنگاه که خطاب فرمود: ای اهل ایمان روزه بر شما مقرر و لازم شد تا پرهیزگار شوید. این ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسر هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن و آشکار از هدایت می‌باشد و مایه‌ی جدایی حق از باطل است و شب قدر را در ماهی قرار داد که با هزار ماه برابر است. پس سلام بر قدر که سفره‌ی احسان پروردگار برای آنانی که طلب سرعت در کسب معرفت و رضایت خدا را دارند گسترده کرده، بندگان را تشویق به عبادت، توبه و مناجات فرموده است. پس ما نیز به یاری پروردگار آغاز می‌کنیم شب‌های قدر امسال را و عاجزانه از خدایمان می‌خواهیم ما را یاری فرماید تا از آن بهره‌ی کافی ببریم.

شب قدر شگفتی‌هایی را در جانش به ودیعه دارد. هرگاه به مشیت پروردگار عالم کلیدش گشوده شود زبان اعجاز آن به سخن درآید و صدای جان‌ها در نهانشان آشکار می‌شود و وعده‌ها محقق شود و آنچه در ضمیر جان‌ها نقش گرفته است نمایان می‌گردد. جان‌های شیفته به دیدار حق مزین می‌شود. هر کس شب قدری را که به احیا نشسته، عبادت و مناجات کرده را در قالب باطنی‌اش خواهد دید. وای بر آنان که عملشان باطن نداشته و فقط ظاهراً بیداری نصیبشان می‌شود.

اینک ما قدرنشینان این خانه‌ی مقدس دست نیاز به سفره‌ی قدرش می‌گشاییم تا در شیرینی لحظاتش جانمان را از شرابی بخورانیم که خالقمان فرموده: ساعاتش همچون گنجی تمام نشدنی است درحالی‌که صبحی در نهانش نهفته است که بشارتی بس عظیم را مژده می‌دهد. اینک روی سخن با قدرنشینان این شب با شکوه است که با شتاب به سویش آمدند تا در دلش جای گیرند؛ آیا توان گشودنش را دارند؟ یا فقط ساعتی را به راز و نیاز مشغول می‌شوند و بعد باز صبحی دیگر آغاز می‌شود و باز شبی دیگر می‌آید و او در محضر قدر می‌نشیند و باز صبح دیگری می‌آید تا شب‌های

با فضیلتش می‌گذرد و از مجموعه‌ی این ساعات با شکوه خاطره‌ای به جا می‌ماند، می‌رود تا رمضان دیگر و شب‌های قدری که در جان این ماه با فضیلت نهفته است؛ پس چاره‌ی درکش چیست؟ تضرع و توبه است؟ نماز و عبادت است؟ فریاد و فغان است؟ چه کلیدی این رمز را می‌گشاید؟ این چه رمزی است که فرق عابدترین بنده‌ی خدا را زخم می‌زند و او این زخم را رستگاری می‌خواند؟ فرقی که در نهانش جز اطاعت و بندگی آثار دیگری نبود؛ پس چرا امیر مؤمنان می‌فرماید: به خدای کعبه رستگار شدم؟ روی سخن این پیام با چه کسانی است؟ با محبان است؟ با عزاداران است؟ با شیعیان راستین نبوت است؟ با کدام دسته صحبت می‌کند و من در این پیام در کدامین جایگاه هستم؟

مسجد کوفه و محرابش اینک هزار و اندی سال است که شب‌های ۱۹ ماه رمضان از فراق مولایمان، امیر مؤمنان (ع) چنان به فغان ناله سر می‌دهد که در آن ساعات هر کس در آنجا حضور یابد سنگینی و غم بزرگی بر قلب و روحش وارد شده، در فشار آن جان و روحش آزرده می‌شود که تحملش سخت است و ما بسی سعادتمند هستیم که زبان محراب را برایمان گویا فرمودند که چنین گفته است:

فرشتگان قدر آمده‌اند تا از سجاده‌ی مولایشان بوی ملکوت را درک کنند. ملکوتی که از آن آمده‌اند ولی توان بردن دلی را ندارند که بارگاه جبروتی خالقش در سینه‌ای جا گرفته که صدای یا رب، یا ربش خاک مرا به هزار گلستان ابراهیمی بدل نموده. وای بر طلوع فجر که خاکم به خون فرقتش گلگون می‌شود. او را از کنارم می‌برند. به دنبالشان می‌نگرم. چگونه جانم را از من جدا کردند. حرارتم خاموش شد. همگان برای زیارتم آمدند. محراب امیر مؤمنان را زیارت کردند. من تماشایشان کردم. چگونه توان درک نماز مولایم را دارید. او سرش را بر خاک من می‌گذاشت تا شاهی باشم از حرارت عشقش؛ پس محراب علی با هیچ ذکر و دعایی زنده نمی‌شود. او صاحبش را می‌طلبد. امشب مهمانی دارم که بوی علی می‌دهد. با دست مهربانش دلم آرام شده، هر بار به دیدارم می‌آید جمالش جانم را زنده می‌کند. نامش زنده کننده‌ی زمان‌ها و

دوران‌هاست. محبتش گدایان را بر مکانی مهمان می‌کند که نامش زینت مسجد کوفه است.

پس ای مهمانان کوی مولایمان امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج) بیایید فریاد کنیم: یا رب من از دنیایی که به آن مهاجرت کرده‌ام بی‌نیازم زیرا طمع جایگاهی را دارم که امشب برایم آماده نموده‌ای و به رسالت فرمان داده‌ای که امت خویش را بر سر سفره‌ی قدر بنشان. من هم به همان نشانی آمده‌ام پس مولایم را می‌خوانم، «**الهی به علی، الهی به علی**».

به من که امامم را برای شفاعت آورده‌ام رحم کن تا در کنار جاء الحق فرق کفر جانم را بشکافم تا با نام مبارکش رستگار شوم. او را می‌خوانم به فرجی که طلوع امشب نوید آن را داده. فرشتگان که حامل بزرگ‌ترین نشانه‌ی خلقت خواهند بود تا به همگان مژده دهند که انتظار منتظران تمام شد و فجر دمید. او آمد تا در چشمان یداللهی‌اش انوار حق، عالم را از تباهی و سیاهی برهاند. او را بخوانید تا فجرتان امضا شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۲۱ فروردین ۱۴۰۲

الحمد لله رب العالمین. پاک و منزّه است خداوند کریم از آنچه او را وصف کنند و بزرگ و بزرگ‌تر از آنچه اندیشه و عقل و علم او را بیابد. همان‌گونه‌ای که خود فرمود: خدا را آن‌طور که قدر اوست نشناختند و به فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) خداوند سبحان با اینکه برتر و بلندتر از او وجود ندارد آن برتری و بلندی وی را از هیچ‌یک از آفریدگانش دور نمی‌کند و نه نزدیکی او به آفریدگانش سبب می‌شود که آن‌ها از لحاظ مکان و منزلت برابر با خداوند باشند. خدایی که به صاحبان عقل‌ها اجازه نمی‌دهد که بتوانند صفات او را مشخص و مرزبندی و حدی برایش قرار دهند ولی مانع از این نمی‌شود که صاحبان عقل از راه اندیشه او را بشناسند. خداوند آن‌قدر بزرگ و بزرگ‌تر است که هیچ آفریده‌ای را نمی‌توان به او شبیه نمود و هیچ‌کس توانایی ندارد که موجودیت او را انکار نماید. پس سپاسگزار پروردگار کریم هستیم که در عین بزرگی، عظمت و بی‌نیازی با صبر و گذشت و بزرگواری از خطای بندگان می‌گذرد و احسانش بر بندگان حد و مرزی ندارد مگر اینکه خود آدمی از آن غافل شود.

بله چه زیباست حمد و ثنا از زبان شهید امشب امیر مؤمنان علی (ع) که سحرگاهش بر بال فرشتگان قدر نشست، به ملکوت سفر کرد که خود فرمود: به خدای کعبه رستگار شدم. چون جهالت و صد رنگی امت خود را می‌دید و با تمام توان برای نجات آنان تلاش می‌کرد ولی افسوس درک نمی‌کردند. نه تنها به سفارشات او عمل نکرده بلکه کمر همت برای آزار و اذیتش بسته و در این راه از هیچ دشمنی کوتاهی نمی‌کردند و در آخر ایشان را همان جهالت خودباوری‌ها به شهادت رساند. قبل از اینکه فرقش را زخم بزنند قلبش را خون کردند. روح لطیف و بلند و عاشقش را از سروده‌های عاشقانه‌اش و مناجات‌های زیبایش می‌توان درک کرد. تحمل آتش برایش بهتر از هجران پروردگارش بود. ای وای بر شیطان صفتانی که از همان زمان تا قیامت از نام مبارکش می‌گریزند و او همان فجر است که پروردگار عالم مژده‌ی سلامتی را در آن به عالم هدیه فرمود. پس آفریدگار را در ساعات امشب از قول زبانش می‌خوانیم:

بار الها، معبود من، این منم بنده‌ای که به عذرخواهی به درگاهت آمده‌ام. از اعمال زشتی که به واسطه‌ی کمی حیا جرأت یافته در حضورت، زیر نگاهت به جا آورم از تو عفو و بخشش می‌طلبم اگرچه عملم اندک است ولی امید و آرزویم بسیار است. الهی، ای مهربان‌ترین مهربانان این لطف و کرم واسعه‌ی تو است که به من جرأت بخشیده در این شب به درگاهت روی آورم. با این باور و یقین به حالم ترحم فرموده، از درگاه لطف محروم و ناامید برمی‌گردم چون به جود و احسانت اطمینان دارم. اگر غیر از این بود اکنون در خواب بودم نه در خانه‌ی ولی تو که فرشتگان قدر در انتظارند تا فجر دولتت بدمد و مزده‌اش را به همه‌ی عالم فریاد کنند پس به من عنایت خاصه داری که این شب قدر را به حمد و ستایش به صبح می‌رسانم. معبود من تمنا دارم به عشق و محبت خود بیدارم کنی و قلبم را از پلیدی‌های غفلت پاک و پاکیزه گردانی و در این شب به من چنان نگاه کن که به کسی که او را خواندی و اجابت کرد، به کار طاعت امر فرمودی اطاعت نمود.

بار الها به من دلی عطا کن که مشتاق مقام قرب تو باشد و زبانی که سخن و دعایش به‌سوی تو بالا رود و تو اجابتش کنی. من به امید بخشش پروردگارم آمده‌ام، آمده‌ام تا در دامنه‌ی رحمتش روزنه‌ای را بیابم تا از آن روزنه جان حقیرم را به دریای جود و بخشش متصل کنم. آیا شامل آن صبحی که در آن سلامتی و عافیت است می‌شوم؟ نمی‌دانم. اگر توانم را آزمودم سر پر شورم را آماده‌ی شکافتن اسراری می‌کنم که امیر مؤمنان جایگاهش را خدای کعبه نام می‌برد. پس به دعا می‌نشینم:

پروردگارم اینک به جود و احسانت دل‌بسته‌ام تا فرقم را بگشایی تا هزاران جان دربند شده‌ام را به فدای جانی کنم که چهره‌ی مبارکش در خون فرقت غرق شد تا من رستگاری را بشناسم. اینک با نامش جان سوخته از هجرانش را در بند می‌کشم و به سینه‌ام نهیب می‌زنم: ای دست‌های من به سینه‌ات بکوب تا به علی‌الاعلی بررسی چون صاحب این خانه‌ی نور که عرشیان و فرشیان محتاج نگاه پر محبتش هستند اینک مرا می‌خواند. چه می‌کنی؟ آیا امشب را نیز در افکار آب و نان می‌گذرانی؟ این طعام شایسته‌ی تو نیست. تو اهل جنات نعیم هستی. رهایش کن، با من بیا تا جانت

را با طعام ملکوتی از این خانه ی پُر زحمت برهانم. پس صدایم کن با سینه‌ای که
شعله‌اش جانت را بیفروزد.

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

۲۳ فروردین ۱۴۰۲

بار الها شب قدر را بهتر از هزار ماه قرار دادی. چه اسراری در این شب است که چنین فضیلتش بزرگ و رحمتش بی‌منتهاست و من در طول عمرم ده‌ها شب قدر را پشت سر گذاشتم و نتوانستم آن را درک کنم. آیا کلیدش در شب‌زنده‌داری است؟ عبادت است؟ معرفت و پاکی و تقوی است؟ و یا مناجات و دعاست؟ یا غیاث المستغیثین به فریادم برس تا به سلامتی مطلع الفجرش برسم. یا رب چگونه تو را ستایش و پرستش کنم. آیا زبان ظاهری‌ام قادر است تا احساسی را بیان کند که در چشمه‌ی قلبم می‌جوشد. وای بر من. توان توصیف حرارتش را ندارم. سینه‌ام افروخته از نامی است که مرا می‌خواند که تو را به نشانی آراستم تا زبان دلت با آن گویا شود. اینک با آن زبان که نامش نجواست مرا بخوان. آیا توانش را داری؟

پس بار الها، معبود من حرف دل است که گویاست نه زبان و فریاد. دلی که مأوا و ضربانش عشق و اخلاص توست که سرچشمه از لطف، رحمت و محبتی دارد که در طول عمر به بنده‌ی حقیر، فقیر و عاشق خود داشتی و عاشقانی که آمدنشان، مناجاتشان زنده کننده‌ی مردگان دهر بود و هست. ما منتظران آخرینشان تغذیه کنندگان آن هستیم.

پس سلام بر جان‌هایی که آمده‌اند تا نقش آفرینش را در وجودشان با جانی بیامیزند که آن جان هدیه‌ی پروردگارشان است. انوار مطهر از خلقت که نامش روح خداوندی است. میراث برانی که ارث خویش را از پروردگارشان به ارث برده‌اند تا فرمان‌بر فرمانی باشند که آنان را می‌خواند به ضیافتی که نامش دولت ظهور است. در آن دولت نامی می‌درخشد که اسرار زمان را از آغاز تا پایان در سینه‌ی مبارکش به ودیعه دارد. نامش بقیة الله است. نامی که قادر است تا دوران‌ها را به لحظه‌ی حیات آورده، در جان آدمیان به جریان بیندازد. آیات قرآن کریم به مدد آمده تا در وعده‌ی دولتش آن‌چنان بدرخشد که رسالت انبیاء به سخن درآید. شکر پروردگاری را سزااست که حق

را آشکار نمود تا شاهی باشد بر ایمان آوردگانی که به جان عالم آن چنان حیاتی را به ودیعه آوردند که باطل در آن راه ندارد. همان گونه ای که سرور عالمیان حضرت زهرا (س) فرمودند مولای ما، امام عصر و زمان، ابی‌صالح المهدی (عج) قادر است تا دوران‌ها را به لحظه‌ی حیات آورده، در جان آدمیان به جریان بیندازد.

در آخرین شب از شب‌های قدر که روایت است کارنامه همه را به پیشگاه امامان عرضه می‌دارند و تقدیراتی که خودمان در آن نوشته‌ایم را به رؤیت مبارک ایشان می‌رسانند. از حضورشان استدعا کنیم تقدیراتمان را از تقدیر صالحان اراده فرماید و ما نیز در این شب قدر با خداوند عهد بستیم که گرد گناه نرویم. ایمانمان را قوی و از گناه دوری کنیم. عمل کنیم همان گونه ای که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره فرمودند که: چون با خدا پیمان بستید بدان وفا کنید و چون سوگند اکید خوردید آن را نشکنید که خدا را ضامن خویش کرده‌اید و او می‌داند که چه می‌کنید. همانند آن زن که رشته‌ای را محکم تافته بود و سپس از هم گشود و قطعه قطعه کرد نباشید.

چه زیباست هدایت قرآن کریم از مقامات بندگی، آیات مطهری که همواره حالات نفس انسان را در باطن و ظاهر آشکار می‌کند تا با راهنمایی صاحبان مقام محمود بتوانند به انا الیه راجعون بازگردند. ما چه سعادتمند هستیم که مولا و سرورمان ابی‌صالح المهدی (عج) با هدایت و راهنمایی خود ما را رستگار کرده و به الیه راجعون برویم.

ای مولای ما پروردگارمان شما را جانشین رسولش خوانده و ما امت شما هستیم و در شما جز خصلت جد بزرگوارتان خصلت دیگری یافت نمی‌شود. پس هر آنچه ما را می‌آزارد بر شما گران می‌آید. ما را دوری از الطاف وجود نازنینتان می‌آزارد. الطافی که همواره بر ما می‌بارد و ما از آن می‌گریزیم. مددمان کنید تا در آخرین شب قدر این ماه مبارک با دست بیعتی با شما بیعت کنیم که گوش‌هایش را به فرمانتان سپرده و جان بی‌مقدارش را در اسارت وجود ملکوتی‌تان درآورده. دستانمان را رها نکنید تا بار دیگر به صدایی که جان عالم را بلرزاند فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۳ فروردین ۱۴۰۲

دل نوشته‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

در این آخرین فرصت‌های شب‌های قدر امسال، مناجات و حرف دلی را می‌خوانیم. سعی کنید کاملاً آن را گوش کرده و احساس و درون خود را با آن هماهنگ کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بارالها، معبود من، در این آخرین دقایق شب قدر امسال با چشمی گریان و دلی نگران به پیشگاه پر از جود و سخاوت و رحمانیت روی آوردم که اگر تا حالا منو نبخشیدی آن‌چنان فغان و ناله کنم که فرشتگان قدر من دل بسوزانند و شفاعت من کنند. پروردگارا کارنامه‌ی مرا از گناهان پاک کن تا مولا و سرورمان امام عصر (عج) که امشب آن را رؤیت می‌کنند از ما مکدر نباشند.

بار ال‌ها در تاریکی این شب به یاد شب اول قبرم افتادم، به غربت و تنهایی‌ام که از همه‌کس و همه چیز بریدم. همه‌ی نزدیکان، من را تنها گذاشتند. صورت بر خاک می‌گذارم. با فغان و ناله می‌گویم: خدای من بر من ترحم کن. همه‌کس من تو بودی و هستی. به حقیری و بی‌نوایی‌ام، فقیری و افتادگی‌ام رحم کن. ای اولین و آخرین امیدم که هیچ زمان با وجود تو تنها نبودم. ای رفیق و شفیق که از رگ گردن به من نزدیک‌تر بودی، از من روی برنگردان و آن نگاهِ لطفِ پر از محبت را از من دریغ نکن که اگر دریغ کنی به فغان و ناله و فریاد خواهم گفت: یا غیاث المستغیثین، یا امان الخائفین، یا نور المستوحشین فی الظلم، روح و جانم را به نور خود روشن کن. حال که زنده‌ام همیشه خودم را در محضرت ببینم و با تو نفس بکشم تا در تنهایی قبر و قیامت در کنارم باشی.

آقای من، معبودا، جسارت من را ببخش که اگر ادب حضور نداشتم پس اینک به دامن پرمهر مولایم امیر مؤمنان (ع) پناه می‌برم و از ایشان مدد می‌گیرم که با مناجات زیبای مسجد کوفه تو را حمد و ثنا نمودند و با بهره گرفتن از آیات کریمه‌ی قرآن در

مورد قیامت که ایشان همه را به عینه می‌دیدند، وحشت و بزرگی آن روز را برای ما توصیف فرمودند که:

پروردگارا به تو پناه می‌برم از روزی که مال و فرزند هیچ فایده‌ای ندارد جز آنکه قلبی پاک از بدی و شرک باید داشت. بارالها به تو پناه می‌برم از روزی که گناهکار انگشت حسرت به دهان می‌گیرد که ای کاش من از پیامبرم پیروی می‌کردم و راه حق می‌رفتم. پناه می‌برم از روزی که گناهکاران از چهره‌ی سیاه شده‌شان شناخته می‌شوند و آن‌ها را از موهای جلوی پیشانی فرشتگان عذاب گرفته به‌سوی آتش می‌برند. در آن روز از گناهکار معذرت قبول نمی‌شود.

خدایا رحم کن، خدایا رحم کن، مولای من.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید فطر

۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

سلام بر فطر و طلوع خورشیدش که نوید آمدن عیدی را می‌دهد که دل‌های عاشق بر سر سفره‌اش به مهمانی آمده‌اند. چشمان اشک‌باری که پروردگار خویش را در آنچه فرمان داده اطاعت نموده و جانشان را به طعام ملکوتی آراسته‌اند. اینک آمده‌اند تا شکر این مهمانی عظیم را با نماز و استعاذه به درگاه ملکوتی‌اش به پایان ببرند. چه ساعات با شکوهی. فرشتگان فطر به روزه‌داران می‌نگرند. چه کسی توانسته تا شب قدرش را به دولتی پیوند بزند که اینک در محضرش به نماز نشسته است. لب‌هایش را از سخن گفتن فرو بسته تا با شعله‌های دلش با امامش گفتگو کند:

مولای من، روزهای عمرم در گذر ایام می‌گذرد. به خود می‌نگرم. حقیقت جانم را در آیینی دولتی می‌بینم که پروردگارم برایم ذخیره فرموده و من در هیاهوی وجودی که هزاران افسون از دنیایی که به آن دل‌بسته‌ام را در جست‌وجوی این نعمت الهی هستم. باطل‌های وجودم در شعله‌ی هوس‌های نفس اماره مانع رسیدن انوار حق بر سرزمین سوخته‌ی جانم می‌شود. اکنون آمده‌ام تا با باران رحمت پروردگارم دانه‌ی عشق را در کشتزار جانی بکارم که به وعده‌های قرآن کریم دل‌بسته است؛ پس یاریم فرما تا قدردان نعمتی باشم که خود فرمودی خداوند از آن رو که شما را هدایت فرموده بر شما منت می‌گذارد و من سجاده‌ی شکر گشوده‌ام تا سپاس نعمت ماهی را به جا آورم که به عمرم برکت بخشید تا به فطر برسم. همان فطری که سال‌های عمرم را در انوارش گذرانده‌ام، به طلوع و غروبش رسیده‌ام و باز منتظر فطر دیگری شده‌ام که از راه برسد و من صاحب این روز بزرگ را بخوانم:

ای روزه‌دار حقیقی عالم جانم در فراق شما پاره پاره گردید. به فریاد زمانی برسید که کفر و نفاق جان مردمان را به مانند صیادی ماهر در بند اسارت خویش می‌گیرد. پرده‌های حیا دریده شده، حرام‌ها حلال شده و همگان به‌طرف سیاه‌چالی در حرکت‌اند که سقوط در آن بسیار برایشان دلپذیر است و ما دست تمنا و امیدمان را

به طرف مائدهای می‌گشاییم که هم اکنون بر سر سفره‌اش مهمان هستیم تا بار دیگر
گدایان دولتش را به لطف و مرحمت خویش از نعمت فطر محروم نفرمایند و
زبان‌های خاموش را به ذکر وجود مقدسشان گویا کنند به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)

سلام بر جان‌های مطهر، همانانی که زمان‌ها را در عصرها به خود اختصاص دادند تا همگان در آینده‌ی جانشان نظر کنند آنگاه سایه‌ی رحمت الهی را در دولتی ببینند که همواره وعده‌های شیرینش را در کتاب آسمانی تلاوت نموده‌اند آنگاه که بر سر سفره‌ی انبیاء می‌نشینند تا از رزقی تناول کنند که نامش معجزه است.

بله با این توصیف و تفسیر آیات الهی به فرموده‌ی سرور عالمیان، حضرت زهرا (س) انعکاس آیات در وجودهاست پس با تلاوت آیات و حکایات قرآن کریم به درون سفر کنیم و همه‌ی مبارزات حق علیه باطل را در وجود جستجو کنیم و با عمل به آن‌ها جان را از نفس‌های بد نجات داده و سرزمین امن الهی که همان پاکی و حق مداری و گذشتن از پلیدی‌های نفس اماره است برسیم.

پس کسانی که قرآن کریم را با درک و عقل تلاوت می‌کنند با قرائتش به دربار فرعون می‌روند، بُت وجودشان را می‌شکنند، از دریای احسان الهی عبور می‌کنند، به سرزمین امن الهی می‌رسند. با وعده‌ی میقات همراه می‌شوند تا در انتظارشان از زیورهای جانشان جدا شوند. ندایی شیرین در جانشان طنین‌انداز می‌شود. به طرف سرزمین موعود به حرکت درآیید. همان سرزمینی که وعده‌ی بر حق الهی است آنگاه که می‌فرماید:

سجده‌کنان وارد سرزمین امن الهی شوید تا جانتان در پرتو حق بی‌فروزد و سیاهی و تباهی نفس اماره از جانتان جدا شود. آنگاه انوار روح خداوندی در عصای پیامبر سدهای شیطان را بشکند. راه هموار حق را بر همگان عرضه دارد تا امتش بر قدرتی سر تعظیم فرود آورد که همواره آنان را بر حکومتی خوانده که گذشتگان و آیندگان آن را به مدد می‌خوانند تا وعده‌ی حق محقق شود و معجزات انبیاء در جان‌ها به ظهور برسد. جان‌های زنده شده در حق از گور زمان برخیزد و به ندای حق پاسخ دهد آنگاه که می‌فرماید: «بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين».

ما امروز به سوگ امامی در این خانه‌ی مقدس حضور داریم که با درس و تفسیر و اصلاح انحرافات، تلاش بی‌وقفه‌ی برای رسیدن به سفارشات سرور عالمیان فرمودند مخصوصاً با کتاب گران‌سنگ مصباح الشریعه، شیعه را جانی دوباره بخشیدند. ایشان ششمین اختر آسمان ولایت و امامت، معلم راستین قرآن و عرفان، پاک‌کننده‌ی انحرافات از دین، بنیان‌گذار راه و رسم شیعه، حضرت امام جعفر صادق (ع) است.

امامی که پاک‌کننده‌ی انحراف از باورهای غلط دینی مردم و باطل‌کننده‌ی روایت و احادیث جعلی و کاذب بودند. روایت‌هایی که به‌وسیله‌ی منافقین و جاهلین وارد اسلام شده بود و ایشان با جایگزین کردن احادیث و روایت‌های صحیح به ما راه و رسم شیعه شدن و شیعه بودن را آموختند. از وجود مقدسشان تقاضا می‌کنیم که ما را برای شیعه‌ی واقعی بودن و شیعه واقعی ماندن یاری فرمایند. همان‌گونه‌ای که وارث و فرزند گرامی‌شان مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) در آموختن راه و رسم انتظار ما را یاری می‌فرمایند همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند:

ما دوستداران خود را در عملشان دوست می‌داریم و همچنان که آن‌ها برای رضای الهی و خشنودی قلب پیامبر الهی تلاش می‌کنند اهل‌بیت پیامبر خاتم در رساندن آن‌ها به مقامات عالی‌تر تلاش می‌کنند و این نامش معامله با پروردگار است پس در آنچه از عمرتان باقی مانده سعی در به دست آوردن رضایت الهی کنید تا باب شفاعت برایتان، درجات بهشت را تغییر دهد زیرا زمان جز در رضای حق ثابت نمی‌ماند و لحظه‌ها در حال عبور از مرز عمر هستند؛ شما از مرز عمر عبور نکنید و با تلاش در رضایت حق، در لحظه‌ها جاودان باقی بمانید.

اینک ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی و امام عصر و زمان سرور و مولایمان اباصالح المهدی (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) با دلی پر خون و چشمی اشک‌بار ابراز می‌داریم: ای مولای ما، تا به کی روزهای شهادت پدران بزرگوارتان بر قلب شیعیان و منتظران قیامتان زخم خواهد زد؟ دعا می‌کنیم تا با ظهورتان و انتقامتان از باطل بر دل‌های سوخته از مصیبت‌مان مرهمی گذارید. همان‌گونه‌ای که آگاهی دارید در این زمانه که کفر و ظلم و جنایت و فساد دنیا را پر

کرده همچون عصر جد بزرگوارتان امام جعفر صادق (ع) بشریت مخصوصاً مسلمانان و شیعیان نیاز به سرپرستی و هدایت و نجات از گمراهی و کجروی و آگاهی از اسلام راستین دارند. ای ریشه‌کن کننده‌ی ستمگران و برطرف کننده‌ی نادرستی و کژی‌ها، ای نو کننده‌ی فریضه و سنت‌های دین و ای برگرداننده‌ی حدود قرآن و آثار دین، ای ویران کننده‌ی بنیان شرک و دورویی و نفاق و دروغ، ای نابود کننده‌ی گردنکشان و گمراهان به فریاد امت جدتان برسید و ایشان را از سرگردانی بین حق و باطل، ایمان و کفر، نجات و تباهی رهایی ببخشید.

حال دست به دعا می‌داریم که بار الها کفر و ظلم و نفاق و جنایت و فساد دنیا را فرا گرفته و از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نمانده؛ به حرمت امام صادق (ع) به فریاد بندگانی که در ایمان پایداری و استواری دارند برس.

بار الها ما را شیعیانی تربیت شده در مکتب امام صادق (ع) و فرزند گرامی‌شان امام عصر (عج) قرار بده.

بار الها چشمان منتظر ما را به جمال مولایمان روشن بفرما و قلب نازنینشان را از ما خشنود بفرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان تعجیل بفرما و ما را نیز یاری فرما تا در اخلاص عمل و کسب و رضایت تو ای پروردگار کریم تعجیل کنیم.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

۹ خرداد ۱۴۰۲

بار الها چگونه تو را حمد کنم درحالی که روح و جانم به ناتوانی‌ام معترف‌اند و به چه زبانی تو را سپاس گویم درحالی که نعمت‌هایت فراتر از شمارش است و چگونه تو را وصف کنم که خود فرمودی: سبحان رب العزة عما یصفون.

ولی پروردگارم خود اجازه فرمودی که بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را پس ای خدای بنده‌نواز تو را شکر و حمد و سپاس می‌گویم و با زبان و قلبم ستایش می‌کنم، چون مرا آفریدی و زبانت را به حمدت گویا کردی و قلب و جانم را از سر رحمت به محبت و عشقت آشنا نمودی، پس رحمت تو ای پروردگار کریم در نسیمی است به وقت که وعده‌ی الهی آن را می‌شناسد و پاسخش را در بارور شدن جانش می‌دهد جانی که انتظار بزرگ‌ترین گنجینه‌ی آن است تا همواره الطاف بی‌پایان پروردگارش سر تعظیم فرود آورد و نعمت‌هایش را غنیمت جان بی‌قرارش کند، سر بر سجده‌ی شکر گذارد و آنچه در صندوقچه‌ی جان ذخیره نموده را با خود همراه کند.

بله این صندوقچه‌ی جان دارای رمز و رازی است که با اطاعت و عبادت باز می‌گردد تا سرزمین وجود به باغ بهشتی تبدیل شده و محل نزول رحمت الهی شود همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) آن را سفارش فرمودند که: نعمت‌های درون جان انسان همانند صندوقچه‌ای است که اطاعت را در خود به ودیعه دارد اگر آن ودیعه را با فرمان کتاب آسمانی قرآن به مصرف برساند جانش مکان نزول رحمت الهی است مانند زمین که فرمانش در آفرینش صادر شد و اطاعتش آیین‌های شد که نگریستن در آن آیین می‌تواند عبرتی باشد بر آبادانی سرزمین جان پس جانتان را باغی کنید که روی آن بنشینید تا جوی‌ها در زیر آن جاری گردد و نعمتش پایان نپذیرد و گنجینه‌اش را زوالی نباشد.

چه زیبا سرور عالمیان وجود بهشتی خود و فرزندان گرامی‌شان را توصیف فرمودند که ما به ولادت یکی از ایشان یعنی هشتمین اختر ولایت و امامت، معلم علما، مروج

دین، معدن کلمات پروردگار، صندوق انوار الهی، ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا (ع) در این کوی عشق جمع شدیم، چون بارگاه ملکوتی‌شان برکت این سرزمین است و ما لذت حضور و زیارت و دعا و مناجات و عبادت را در آن بارگاه احساس کرده‌ایم و هر بار که سعادت حضور پیدا کردیم روح و جانمان با عطر و فضای دل انگیزش نشاط یافته و اثر آن را مدت‌ها در قلب و روحمان احساس می‌کنیم و این کشش و نیاز همیشه ما را مشتاق آن بارگاه قدسی می‌نماید چون یکی از القاب زیبای امام رضا (ع) رئوف است، دیده شده که ایشان همه‌ی زائرین حرم را مورد لطف و مرحمت خود قرار می‌دهند حتی کسی که در حرم خوابیده از دست نوازشگرشان بی‌نصیب نمی‌گذارند چون امام رضا (ع) از خاندانی است که بدون انتظار پاداشی همه‌ی داشته‌های خود را با وجود نیاز به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشیدند و چه زیبا خداوند کریم آن را تأیید و جایگاهشان را توصیف فرمودند: نیکان طعام را درحالی‌که خود دوستش دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند و می‌گویند جز این نیست که شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و از شما نه پاداشی می‌خواهیم نه سپاسی. ما از پروردگار خود می‌ترسیم در روزی که آن روز عبوس و سخت و هولناک است. خدا ایشان را از شر آن روز نکه داشت و آنان را طراوت و شادمانی بخشید به پاداش صبری که کرده‌اند پاداششان را بهشت و لباس حریر قرار داد و در ادامه جایگاهشان و نعمت‌هایی را که پروردگار کریم در جنات نعیم به آنان عطا فرموده توصیف نمودند و زیباتر از آن در خاتمه‌ی آیات به ایشان چنین فرمودند که این پاداش شماست و از کوششتان سپاسگزاری شده است.

بله با اندکی توجه می‌توان دریافت که این چهارده خورشید بی‌غروب همگی تجلی انوار و اسماء الهیه هستند چون پروردگار رئوف و رحمان و رحیم با وجود بی‌نیازی از اخلاص و صبر و گذشت بندگان مخلصش برای رضای او سپاسگزاری می‌کند. حال تفسیر این آیات را از زبان گهربار سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) می‌شنویم که فرمودند: مقربان همواره از جامی می‌نوشند که نوشیدن‌اش آمیخته به زنجبیل است، چشمه‌ای در آنجاست که سلسبیل نامیده می‌شود و در آنجا سخنان سلام سلاما است زیرا آنچه آفرینش را در حلقه‌ی عزت خویش گرفت جامی بود که همواره

نوشندگانش را به غیبی منور مژده داد پس اعلام فرمود مقربان بر تنشان جامه‌هایی از سُندس سبز و استبرق و به دستبندهایی از سیم زینت شده‌اند و پروردگارشان از شرابی پاکیزه سیرابشان سازد. شرابی که مستی‌اش ابدی است. آنان را بخوانند آنچه روزی‌تان کرده‌ایم بر شما گوارا باد. در سایه‌ی رحمت پروردگارتان به هر جا که خواهید بروید و از هر ثمره‌ای که خواهید بخورید، گوارایتان باد. ما شما را پیش از این آزمودیم تا نگوئید از آن بی‌خبر بوده‌ایم.

چه آیات زیبایی و چه جایگاه رفیعی اهل‌بیت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) دارند و ما شکرگزار پروردگار کریم هستیم که در میلادها و شهادت‌های آنان در این خانه‌ی مقدس آیات سوره‌ی انسان را تلاوت می‌کنیم. اینک باید باور کنیم و یقین بدانیم که مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) نیز همه‌ی فضائل و حسنات پدران گهربارشان را دارا می‌باشند که در حدیثی از امام حسین (ع) از جدّ بزرگوارشان پیامبر اسلام چنین آن را بیان فرمودند که: حسین، آخرین وصی من قائمی چون تو دارد، پیشانی‌اش زیباترین احساس‌ها را در خود ذخیره نموده تا همگان در تمام دوران‌ها به قلب نازنینش متوسل شوند و او را که رسالت مرا در حق شکوفا خواهد نمود مدد نمایند.

پس ای مهمانان کوی عشق در این روز مبارک ما نیز به قلب نازنینش که اقیانوس‌ها در برابر مهر و محبت و مهربانی‌اش به برهوت تبدیل می‌شود متوسل می‌شویم که: مولا جان، ما مسکینیم چون دستا‌نمان خالی است، اسیریم، اسیر نفس خودمان و یتیم هستیم چون سرپرست و ولی‌مان که شما باشید در غیبت هستید پس ببخشاید بر ما کرامت و لطف و نظرتان را و عنایت کنید به دعای همه روزه‌ی‌مان:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۸ خرداد ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

حمد و شکر و سپاس از آن پروردگار غفور و غفار است. پروردگاری که حیات و ممات در ید قدرت بی‌کران اوست. در مورد بندگان در عین عظمت و اقتدار، حلیم و صبور و بردبار است و نعمت و رحمتش همه را در برمی‌گیرد و با وجود ناسپاسی بنده‌اش، با او مهربان و رؤوف و رحیم است و از سر رحمتش فرمود: «اگر ایمان آورده‌اید آنچه خدا باقی می‌گذارد برایتان بهتر است».

این گهر و گنجینه‌ی بی‌همتایی که خداوند کریم برایمان حفظ فرموده است سرور و امام، ولی و مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) هستند که وجود نازنینش لحظه‌ای از هدایت و نجات امتش آرام و قرار نمی‌گیرد و سخنش مانند انبیاء گذشته است که: «اگر شما را نهی می‌کنم برای آن نیست که خود سودی ببرم، تا آنجا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردنتان ندارم. توفیق من تنها با خداست، به او توکل کرده‌ام و به درگاه او روی می‌آورم».

جان عالم به فدای قلب نازنینشان که با وجود اینکه به امر الهی در ظاهر از نظرها پنهان هستند لحظه‌ای از نجات امتشان غافل نیستند. ما چه سعادتمندیم که منتظر دولت چنین رحمت و نعمت الهی هستیم.

چه توصیف و سفارش زیبایی مادر گرامی‌شان کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در این مورد به ما مردم آخرالزمانی که انتظارش را به جا نمان خریدیم فرمودند: قلب زمان شگفتی‌هایی را در جانش به ودیعه دارد. هرگاه به مشیت پروردگار عالم کلیدش گشوده می‌شود زبان اعجاز زمان به سخن درآید و صدای جان‌ها در نهانشان آشکار می‌شود. وعده‌ها محقق می‌شود و آنچه در ضمیر جان‌ها نقش گرفته است نمایان می‌گردد. جان‌های شیفته به دیدار حق مزین می‌شود. رسالت انبیاء به یکدیگر می‌پیوندد. گلستان نبوت به سخن درآید و آنچه معمای دوران‌ها بوده آشکار می‌گردد. پس به جانتان مژده دهید شما وارثان این نجوای عاشقانه هستید. زمان عمرتان

جانی را در خود پنهان نموده که گلستان رسالت انبیاء زمانهاست شما او را نمی بینید ولی زمان صدای حق جوی تان را در خود به ودیعه نگه می دارد. زمزمه های عاشقانه تان در زمان ثبت می شود. شما می روید درحالی که تپش قلب حق جوی تان به گوش آیندگان می رسد. آن ها شما را در قالب انتظار می ستایند همانند رنجی که پدر بزرگم عبدالمطلب در کفر کشیدند و به درگاه رحمت الهی پناهنده شدند تا انوار حق را مشاهده کردند. پس همواره به فرصتی که در عمرتان به جانتان داده شده خشنود باشید و از پروردگارتان شکننده ی بت نفس اماره را تقاضا کنید تا صدایتان در جان زمین به ودیعه بماند. آیندگان یادتان را از باطل جدا کنند و راهتان را آینه ی خویش سازند. آینه ای که نمایانگر انواری است که به مشیت الهی از دیدگانتان مخفی است تا وعده ی الهی محقق گردد و حق از باطل بازشناخته شود. پس همواره جانی نجواگر داشته باشید تا صدایتان در حق پرستی تان در زمان باقی بماند. شکر درگاه با عظمت پروردگارتان را بجا آورید که همواره شنونده ی حق دوران های باطل هستید.

بله چه توصیف و سفارش و تفسیر گران قدری بود از سرور عالمیان در مورد حق و باطل و منتظران واقعی امام عصر و زمان ابی صالح المهدی (عج) و جای بسی سعادت است برای کسانی که در این خانه ی مقدس با اخلاص در عمل و زبان و تلاش عاشقانه منتظر مولایشان یوسف زهرا (عج) هستند و همان گونه ای که سرور عالمیان سفارش فرمودند باید شکرگزار پروردگار کریم باشیم که در این کوی عشق همواره شنونده ی حق دوران های باطل هستیم، آن هم نه اکاذیب و تراوشات افکار عده ای که در اثر عدم شناخت سردمداران حق مداران، چهارده ستاره ی درخشان، که با درخشش خود گم شدگان و سرگردانان بین حق و باطل را با همه ی وجود و داشته های خود و نثار جانشان راهنمایی و هدایت کرده و می کنند. ما امروز به سوگ یکی از ایشان نهمین خورشید امامت و ولایت، شجاع در علم و دیانت، ابا جعفر ثانی محمد بن علی حضرت امام جوادالائمه (ع) در اینجا حضور داریم. این امام همام هشت ساله بودند که عهده دار امامت و ولایت امت مسلمان شدند و در طول هفده سال امامت خود چنان با عمل و سخنان گهربارشان حق و باطل را به نمایش تاریخ گذاشتند که باطلین و

غاصبان عصرش به خیال خام خود برای رهایی از افشای چهره‌ی ننگینشان ایشان را در آخر ذی‌القعدة‌ی سال ۲۲۰ هجری به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

امام جواد (ع) نشان دادند که جوانان قادر هستند که با تقوا و ایمان و پاکی روح و نیروی جوانی در امر به معروف و نهی از منکر چنان تلاش و انرژی بکار برند که موجب حیرت همگان شود و باید یقین داشت که کودکی و جوانی و سن و سال در علم و عمل امامت نقشی نداشته ولی ذکر آن برای عبرت امت مسلمان است که با الگو قرار دادن آن باطل را از وجود خود و جامعه پاک کنند، همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان سفارش فرمودند: همواره جانی نجواگر داشته باشید تا صدایتان در حق‌پرستی‌تان در زمان باقی بماند و از پروردگارتان شکننده‌ی بت نفس اماره را تقاضا کنید تا صدایتان در جان زمین به ودیعه بماند. آیندگان یادتان را از باطل جدا کنند و راهتان را آیین‌ی خویش سازند.

پس ما منتظرانِ عاشق، مولا و سرورمان یوسف زهرا را که شکننده‌ی بت نفس اماره هستند از پروردگار کریم همواره تقاضا می‌کنیم تا فریادمان در زمان، نشانگر اشتیاق و عشقمان باشد.

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۴ تیر ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

شکر و سپاس پروردگار غفار و غفور را سزااست که یاد خود را آرامش دل‌های هجران کشیده‌ی ذاکران و عاشقانش قرار داد تا حیات زمینیان مزین به صبری جمیل گردد و لحظه‌ها را با شیرینی الیه راجعون سپری کنند. پاک و منزّه است خداوند سبحان، نیست معبودی غیر از او قابل حمد و ستایش. اوست که رحمتش جاری و لطف و کرمش نوازشگر بندگان است.

سلام نامی است که پروردگار عالم آن را برای ارتباط بین خود و بنده‌اش برگزید و امر فرمود به زیر چتر محبتم درآیید و پراکنده نشوید آنگاه که شما را ندا دهم ای فرزندان آدم از آنچه روزی‌تان دادم انفاق کنید تا طعم رستگاری را دریابید و انسان به پا خاست تا این فرمان را به اجرا درآورد. روزی‌اش را به پیشکشی بر بندگان عرضه کرد و برای جلب رضایت الهی جانش به سخن درآمد: ای خالق، بهترین متاع جانم را که ایمان به دستورات بارگاه کبریایی تو بود بین بندگان انفاق کردم و آنان را با حق همراه نمودم پس جهادم را بپذیر و انفاقم را جاودانه فرما تا به هنگام بازگشت به بارگاه ملکوتی‌ات جانی را به همراه بیاورم که جز اطاعت نام دیگری را نمی‌شناسد.

چه زیباست این فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که بزرگ‌ترین و بهترین انفاق، ایمان و هدایت به بندگان پروردگار است که خیر دنیا و آخرت را در پی دارد مخصوصاً در محیطی که فقر ایمان و معرفت بوده و انفاق کننده با سختی‌ها و دشواری روبه‌رو باشد که همه اولیای ما در این مورد تلاش بی‌وقفه داشتند.

ما در این شب حزن و اندوه به سوگ شهادت یکی از ایشان در این خانه‌ی مقدس حضور داریم. ایشان پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیاء، اباجعفر، محمدبن علی ملقب به باقر (ع) می‌باشد. امام باقر (ع) نسبت به پایه‌گذاری و نشر علم الهی همت شایان نمودند و چون علم و دانش امام مانند امامان دیگر از وحی سرچشمه می‌گرفت در نتیجه همه دانشمندان، چه دوست

و دشمن معترف به شخصیت علمی امام شده و از محضر درس ایشان کسب فیض می کردند. امام باقر (ع) پس از سالها رنج و زحمت و خدمت به فرهنگ و معارف اسلامی در هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک ملعون مسموم و شهید شدند.

خواهران و برادران همان گونه ای که می دانید ما در دهه ی اول ذی الحجه یعنی ایام معلومات و میقات حضرت موسی (ع) و ساخت کعبه و طواف حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) واقع شده ایم، جای بسی سعادت است برای ما که امسال این ایام مطابقت گردیده با حج امام مولا و سرورمان، حاجی راستین صحرای عرفات و منا و مسجدالحرام، اباصالح المهدی (عج). بار خدایا قرار بده در این زمان، مولا و سرورمان را پیشوا و امام بر حق ما همان گونه ای که حضرت ابراهیم (ع) را خلیل و امام قراردادی که به وسیله ی وجود با برکت امام عصرمان رستگاران رستگار شوند، توبه کنندگان توبه کنند، عبادت کنندگان عبادت کنند، نجات یابندگان نجات یابند، هلاک شوند ستمگران و قاتلان و منافقان و پیروز شوند حق مداران که این ایام، زمان قربانی کردن نفس ها و آشکار شدن اخلاص در بندگی و سعی و کوشش و جهد به سمت عبودیت است که باید به صحرای عرفات، قلبی را برد که آینه ی حق و جلوه ی عشق الهی و جدا از هرگونه آلودگی باشد همان قلبی که در الست خداوند کریم به انسان ها عطا فرمود؛ همان قلب حضرت ابراهیم و قلب رسول خدا حضرت محمد (ص) و فرزندانش. همان قلبی که امام عصرمان به صحرای عرفات می برد؛ همان قلبی که حضرت موسی (ع) به میقات برد.

بله این عشق، در خانه ی دل است؛ ما که از خانه ی کعبه دور و از حاجیان نیستیم هر لحظه باید طواف خانه ی دل کنیم. ما که سعادت حضور در این کوی عشق در خانه ی امام عصر (عج) را داریم باید بدانیم و باور کنیم که مولا و اماممان همانند جد بزرگوارشان حضرت ابراهیم که خداوند فرمود: ای ابراهیم، خانه ی مرا برای راکعان و ساجدان پاکیزه کن. ایشان نیز با فرمایشات گهربارشان سعی می نمایند خانه ی دل ما را از آلودگی گناهان پاک کنند و در ساخت خانه ی دلی محکم و استوار در مقابل شیطان

و نفس ما را یاری فرمایند که به فرموده و سفارش زیبای ایشان توجه خاص می‌نماییم که فرمودند: برای ساخت خانه‌ی دل، مصالح خوب و محکم را انتخاب کنید تا خانه‌ای محکم و زیبا را به پیشگاه پروردگار عالم ببرید تا در وعده‌اش به حقانیت آنچه که به واسطه‌ی مأموران آسمانی برایتان آماده شده برسید و به خداوند عرضه دارید: ای خالق هستی، دست‌های ناتوانم مشتاق رسیدن به در خانه‌ای است که خود فرمودی که آن نور در خانه‌هایی است که خدا رخصت داد ارجمندش دارند و نامش در آنجا یاد شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیح گویند پس رخصت آن را با درک نعمتش به جانم بچشان تا همواره بر خاک درگاه با عظمت در سجده‌ی شکر باشم.

و ما در این ایام مبارک دست تمنا به درگاه پروردگار کریم بلند می‌کنیم تا در ظهور دولت حقه‌ی امام عصرمان تعجیل فرماید تا دل و جانمان را با هدایت امامان از آلودگی‌ها پاک، آن را فقط محل ذکر و یاد پروردگار رحیم کنیم و برای تحقق آن فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی روز عرفه

۶ تیر ۱۴۰۲

سلام بر بزرگی و جلالت پروردگار، آفریننده‌ی هر آنچه در عالم روزی‌خور سفره‌ی احسان جبروتی‌اش است. احسانی که پایانی ندارد. آغوشی که همگان را به خود می‌خواند تا بار دیگر طعم ملکوت را به خاطر بیاورد. افسوس آنچه در ذائقه‌ی انسان به یادگار ماند طعم تلخ جدایی بود. طعمی که شیطان نفس آن را آراست تا همگان به خدمتش درآیند. خداوند مهربان و بنده‌نواز اراده فرمود در زمان‌ها و مکان‌هایی انسان طعم آغوشش را درک کرده، مشتاق آن شود و در صحرای قیامت آن را جستجو کند. روزی که بندگان از غصه‌ها و غم‌ها رهایی یافته، در جوار ملکوتی‌اش به آرامش و آسایش ابدی رسیده، رحمت و عشق را با تمام ذرات وجودی خود احساس کنند.

پروردگار رئوف و مهربان، روز عرفه و صحرای عرفات گوشه‌ای و نمونه‌ای از صحرای قیامت است که حاجیان با رفتن و ماندن در آن صحرا آن را باید درک کنند که توصیف زیبایی از حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) از صحرای قیامت فرمودند که:

سلام بر آینه‌ی وحی آنگاه که همگان را به صحرایی می‌خواند که درونش هزاران حکایت تلخ و شیرین دارد. حکایت‌هایی که همگان را به تفکر دعوت می‌نماید تا اندیشه‌ها از ریشه‌ی جان‌ها جدا شود و به‌طرف حقیقتی به حرکت درآید که همگان را به ضیافت قیامت می‌خواند. همان ضیافتی که عقل‌ها را در میزان ترازو به سخن درمی‌آورد. زبان شیوایی که تکلمی را نمی‌شناسد. صدایی از گلوی خارج نمی‌شود. صدایی به آرامی می‌خواندش: اکنون مهمان عملی شده‌ای که خود نگاشته‌ای، کتابی که هیچ قلمی قادر نیست تا بزرگی‌اش را توصیف نماید. فرشتگان الهی میزبان جان‌هایی هستند که از الست همراهی‌شان کرده‌اند تا بار دیگر به جایگاهشان بازگردند. بهشت‌هایی که از چشمه‌های بندگی از ضمیر جان‌ها به جوشش درآید تا بهشتی را به توصیف بکشد که پروردگار خبر آن را در کتاب آسمانی فرموده است: از قبر جان‌ها برمی‌خیزد. استقبال‌کنندگان به استقبالش می‌شتابند. انتظارتان به پایان

رسید، اکنون می‌توانید در باغ جانی به گردش درآیید که هزاران نعمت مخفی را در خود پنهان نموده تا با نسیم رحمت پروردگارش ذخایر جانش به بار بنشیند و وعده‌های الهی محقق شود.

بله از توصیف سرور عالمیان که عشق به وصال پروردگار در وجودش همیشه در جوش و خروش است برای آن روز لحظه‌شماری می‌کند. باید که عبرت گرفت و عمل کرد. هرچقدر می‌توانیم دل را از آلودگی پاک کنیم و از گناهای که دانسته و ندانسته انجام داده‌ایم توبه کنیم. اینک روز عرفه است. فرصت خوبی است که با تمام وجود در دل با خدا نجوا کنیم. از گناهان ابراز پشیمانی کنیم و دل و جان را با عشق خداوند جلا بدهیم و با تمام وجود اعلام کنیم:

پروردگارا آمده‌ام با چشمانی اشک‌بار و دلی شکسته با تو راز و نیاز کنم. نمی‌دانم با این همه گناه و روسیاهی دعایم را می‌پذیری یا نه، پس من ای فریادرس بی‌پناهان به خودت پناه می‌برم که قبل از آن ببخشایی گناهای که پرده‌ی حیا را دریده و نافرمانی تو کردم و به غیر تو امید بستم و مطیع و فرمان‌بردار نفس خویش شدم. ببین حال زارم را و ترحم کن بر بی‌نوایی و پشیمانیم.

امروز روز عرفه است و از صحرای عرفات دورم ولی در خانه‌ای نشسته‌ام که تو به آبروی صاحبش به آن نظر داری و من امید دارم همچون حاجیان صحرای عرفات مرا نیز مورد لطف و بخشایش قرار دهی. دلم گواهی می‌دهد که اگر غیر از این بود امروز در این خانه‌ی مقدس حاضر نبودم. تو از سر لطف و احسان روزیم فرمودی.

بارالها من از امت پیامبری هستم که اهل‌بیتش راه و رسم دلدادگی را در قربانگاه جانانشان با خون خود به من آموختند که آن را چه زیبا حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) برای پدر گرامی‌شان توصیف فرمودند:

پدرم رسول خدا (ص) مرا در کودکی روی زانوان با عزتشان می‌نشاند و می‌فرمود: فاطمه جان، عید قربان را برایم بازگو می‌خواهم آن را از زبان تو بشنوم و من می‌گفتم: ای پیامبر الهی، مرا فرزندانی خواهد بود چونان اسماعیل که گردن اطاعت بر

اوامر پروردگار خواهند نهاد و خونی را به جای خون جانشان نخواهند پذیرفت. تمام آفریده‌های الهی به پیشکشی خواهند آمد و فرزندانم با پیشکشی بالاتری بر آنان قالب خواهند شد تا همه ابراز دارند آنچه فرزندان فاطمه دارند در عالم یگانه است پروردگارم پیشکشی‌شان را بپذیرد و آنان را جانشینان پیامبر خاتم (ص) اعلام می‌فرمایند. پدرم اشک از چشمان مبارکش جاری می‌شد و می‌فرمود: چه زیبا عید را برایم بازگفتی ای حبیب جانم.

بله در روز عاشورا فرزندان حضرت فاطمه (س) این فرموده مادر گرمی‌شان را با خون پاکشان تفسیر کردند و از طواف کعبه به قربانگاه کربلا رفتند و گردن اطاعتشان را بر زمین نهادند و همه آفریده‌های الهی به مدد آمدند ولی آنان نپذیرفتند تا خون سرشان گواه بر پیشکشی جانشان به پروردگارشان باشد.

امام حسین (ع) در روز عاشورا به اسب باوفایشان چنین فرمودند: ای همراه من، آنگاه که از زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون گل کنم تا پروردگارم در من بنگرد و سپاسم را بپذیرد.

بارالها روز عرفه در این کوی عشق راز بندگی را شناختم یاریم کن تا تمام عمر گردن اطاعت بر زمین بگذارم همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان می‌فرمایند که: همواره بر قربانی عید پیشی بگیرد تا زمان شاهد گردن اطاعتتان باشد و پیشانی اطاعتتان بر خاک، نجوای جاودانه‌ای را ابراز دارد که تا قیامت در زمان‌ها تکرار شود.

باید یقین داشته باشیم که آخرین فرزند حضرت فاطمه (س) مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) حاجی واقعی صحرای عرفات، هزار و اندی سال است که هر سال و هر روز و ساعت جان نازنینش را به پیشکشی درگاه پروردگار کریم برده و با صبری بالاتر بر عملکرد امت خود صبر می‌کنند.

اینک در روز عرفه دست به دامن مولایمان می‌گشاییم و او را با ناله می‌خوانیم: ای یادگار پیامبرمان، شرمنده‌ی وجود مبارکت هستیم که امتی خطاکاریم؛ نه تنها گردن به تیغ اطاعت پروردگارمان ننهادیم بلکه در بندگی نیز ثابت قدم نیستیم پس یاری‌مان کن تا بنده‌ی خدا گردیم نه بنده‌ی نفس اماره و برای برآورده شدن حاجاتمان فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید قربان

۷ تیر ۱۴۰۲

سلام بر آئینه‌ی وحی، انوار مبارکی که همگان را بر سفره‌ی احسان الهی مهمان می‌کند تا پرده از راز دوران‌ها بردارد. امروز دل‌ها مهمان پیامبری است که میوه‌ی جانش را با تمام اعضاء و جوارحش به قربانگاه می‌برد تا اطاعت را جاودانه نماید.

چه ساعات باشکوهی. قدم‌های مصمم از مشعر به طرف منا در حرکت است تا همان اطاعت را به نمایش بگذارد. بندگی خالق که قربان را توصیف می‌فرماید: هرگز گوشت‌هایشان و خون‌هایشان به خدا نمی‌رسد بلکه تقوای شما به او می‌رسد (سوره حج آیه ۳۷). تقوایی که در عصر کنونی به مانند متاعی گران‌بها در نزد بندگان مخلص الهی یافت می‌شود و مدعیان مسلمانی که سر بر سجده‌ی نماز می‌گذارند درحالی‌که اندوخته‌ی جان‌ها را در تقوا و بندگی به سرقت برده‌اند.

وای بر امتی که چهره‌ی مکارش جان حقیرش را می‌فریبد تا چند صباحی بر قدرتی تکیه کند که شیطان برایش به ارمغان آورده و طلوع قربان رازدار دوران‌هایی است که همواره آمده و رفته تا عاشقان حقیقتش را به سفره‌ای مهمان کند که اکنون بر سجاده‌اش نشسته است. نماز عیدی که با نام پیامبرش به استقبالش می‌رود. چگونه درک این همه نعمت را دارد. آیا ساعتی مهمان این ضیافت الهی است یا آنچه برایش آماده کرده‌اند را زینت جانش قرار می‌دهد تا نام ابراهیم خلیل به مانند مدالی گران‌بها بر سینه‌اش بدرخشد و او نمازش را با نام با جلالتش به قربانگاه ببرد و با دلی نجواگر ابراز دارد:

ای خلیل بر من که با سوز دلی بر سجاده‌ی نماز نشسته‌ام نظر فرما تا بر غم جانی بگیریم که سرور و مولایش را در قلبش به تصویر می‌کشد و او را در دولتی می‌جوید که به او امر شده منتظرش بماند. یاری‌اش فرما تا نام پر جلالتش را همان‌گونه که وعده فرموده‌ای در کنار کعبه‌ی مکرمه بر همگان عرضه دارد، آنگاه که فرزندم پشتش را بر

کعبه تکیه کند و ابراز دارد: أنا بقية الله، منم آن ذخیره‌ی الهی. همگان نظاره‌گر
برپایی حق و نابودی باطل گردند و منتظران دولتش او را بخوانند به نوای:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)

۱۲ تیر ۱۴۰۲

حمد و ستایش سزاوار خداوند با کبریا و جبروت و عظیم است که صاحب گذشت و مهربانی و آمرزش بی‌نظیر می‌باشد. پاک و منزّه است و مقتدر و قدرتمند است و بی‌همتا که شکافنده‌ی دانه و آگاه به هر راز پنهان و شنونده‌ی هر نجوا، بیننده‌ی هر نادیده و عمل کننده به وعده، درگذر کننده از لغزش‌ها، پوشاننده‌ی عیب‌ها و برطرف کننده‌ی گرفتاری‌هاست.

خداوندا شکر و سپاس تو را سزااست که آفریدی انسان را، تاج عزت بر سرش نهادی و طوق‌های شرافت را بر گردنش افکندی و خلیفه‌ی خود قرار دادی و بر دیگر مخلوقات برتری بخشیدی و در بهشت خود جای دادی ولی افسوس که زمین جایگاه انسان گردید و در این غربت با سختی‌ها و مشکلات روبرو شد و کسانی که این هجران را با تمام وجود درک کنند جهد و کوشش خواهند نمود که دگربار به بهشت قرب تو درآیند.

پس سلام بر دقایقی که جان‌ها در مخزن اسرارشان منتظر آن هستند تا با نوایی از جا برخیزند و خاک سال‌ها انتظار را از ظاهر جان بزدایند و به‌طرف جانانشان حرکت کنند. دست‌هایشان را بگشایند تا نعمت محبت را در آغوش گیرند و مهمان خالقشان شوند. رنج‌ها را فراموش کنند و به خانه‌ی سال‌ها هجران کرده‌شان بازگردند پس باید در آیات کریمه‌ی قرآن اندیشه کرد تا خود و خدای خود را شناخت تا سوزش غم این هجران را درک کرد و تأسف خورد که انسان به چه عزتی و چه مقامی آفریده شد. حال اگر شناخت و درک و عمل نکرد در چه ذلت و پستی زندگی می‌کند و خداوند کریم از رحمت و مهربانی واسعه‌ی خود انسان را مدد کرد تا دوباره به مکان اصلی خود بازگردد. افسوس که جان‌ها از جانانشان جدا شدند و به دیار غربت آمدند و از هر آشنایی سراغ جانان خویش گرفتند و آن جانان را نزد کسی یافتند که جرعه‌های توحید در جان مبارکش بود و به هر جانی که به آن متصل می‌شد آن جان را از خرمی توحید گلستان می‌کرد و آن جان، خاتم‌الانبیاء حضرت محمد مصطفی (ص) بود که

همواره رحمتش را از پس رحمتی مژده می‌داد پس دست توسل به ایشان و اهل بیتش اگر دادیم مطمئن باشیم نجات و رستگاری ابدی نصیب ما خواهد شد. چون برکت‌های الهی در جان‌هایی قرار دارد که دم و بازدمی منور با آیات الهی دارند و آنگاه که آنان آیات الهی را بخوانند مأموران الهی نامشان را سؤال کنند جز آنچه پروردگار کریم با آن نام آنان را خوانده ندارد و آن نام عبدالله است که ما در این شب مبارک به میلاد یکی از ایشان در این خانه‌ی مقدس حضور داریم. نام مبارکشان علی و از القابشان نقی، هادی و نجیب و کنیه‌شان ابوالحسن می‌باشد.

حضرت امام هادی (ع) در سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شدند. پدرشان امام محمدتقی جواد (ع) و مادرشان فاضله و عفیفه به نام سمانه بود و در سال ۲۲۰ هجری در مدینه به امامت رسیدند. پس از ۱۳ سال متوکل عباسی، امام هادی (ع) را به سامرا تبعید و تحت نظر گرفت و مرتب دستور تفتیش منزلشان را صادر می‌کرد. او جو بسیار خفقان آمیزی را حکم‌فرما کرده بود و سخت‌گیری و فشار زیادی را بر شیعیان اعمال می‌کرد و آنان را در محاصره‌ی اقتصادی قرار داده بود و به شاعران درباری مال فراوانی می‌داد تا در اشعار خود به ائمه بی‌احترامی کنند و خود بیت‌المال مسلمین را صرف خوش‌گذرانی می‌کرد. امام هادی (ع) با وجود اینکه شدیداً تحت نظر بود اما لحظه‌ای از تلاش دست برنداشت و فعالیت‌های خود را به شیوه‌ای مطابق اوضاع زمان خویش به پیش برد و به مردم از راه‌های گوناگون آگاهی داد. منصب امامت و مقام علمی خود را در طی سخنان خویش و از مناظرات و پرسش و پاسخ‌های علمی آشکار کرده و تثبیت نمود و عدم مشروطیت حکومت عباسی را اعلام فرمود و همچنین مردم و شیعیان را نسبت به غیبت حضرت مهدی (عج) آماده می‌فرمود و از ایشان چندین دعا و زیارت‌نامه بر جای مانده که از مشهورترین آن زیارت جامعه‌ی کبیره است. این زیارت دارای سند صحیح بوده و از نظر بلاغت نیز در بالاترین درجه قرار دارد و مفاهیمی بسیار عالی و مطالبی بدیع دارد.

اینک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد پدر بزرگوارشان امام هادی (ع) با فرازی از زیارت جامعه‌ی کبیره خدمتشان ابراز می‌داریم:

مولای من پدر و مادرم و جان و اهل و مالم به فدای شما، خداوند کریم چیزی به شما عنایت فرمود که به هیچ‌کس آن را عطا نکرده. هر صاحب منزلتی در برابر بلندای مقام شما سر به زیر افکنده و هر متکبری در فرمان‌برداری از شما اعتراف کند و هر صاحب سلطه‌ای در برابر فضل شما فروتنی و خضوع نماید و هر چیزی در برابر شما رام گردد و زمین به نور شما تابان شود و با ولایت شما ظفرمندان به کامیابی رسند. به بیعت از شما طریق خوشنودی الهی پیموده شود و غضب خدای رحمان شامل منکر ولایت شما باشد.

مولای من خداوند ما را به وجود شما از خواری درآورد و گرفتاری‌های شدید را برطرف نمود و ما را از لبه‌ی پرتگاه هلاکت‌ها و آتش نجات بخشید پس به واسطه‌ی خیر و برکت وجود مبارکتان با قلبی آکنده از شوق و اشتیاق دیدار و ظهورتان فریاد خواهیم زد:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید غدیر

۱۶ تیر ۱۴۰۲

حمدِ مخلوقات عالم بر آستان کبریایی خالقِ باد که از مهر بی‌پایانش چشمه‌ی هدایت را جوشاند و بر سرچشمه‌ی لطفش پیامبران را هادی انسان‌ها نام نهاد تا با هدایتشان جان فرو افتاده از ملکوت را بر سرمنزل عافیت رهنمون شوند و سلام جانشینانشان بر آنان باد مخصوصاً بر آخرین رسول الهی، خاتم پیامبران، حضرت محمد (ص) که خداوند کریم از سر رحمتش جانشینانش را برگزید تا کامل کننده‌ی راه هدایت و نجات پیامبرش باشند. سلام و درود پروردگار رحمان بر آنان باد و بر عزم ملکوتی‌شان که همواره جان مبارکشان را فدای نجات انسان‌های در بند نفس اماره کردند تا جوهره‌ی وجودشان متبلور شود و از ظلمت به نور هدایت شوند.

چه مبارک روزی است امروز. زمین و آسمان از شوقش به وجد آمد. فریاد جاء الحق و زهق الباطل نمود و باطل به روی درافتاد و عجز و ناتوانی‌اش را اعلام کرد و همه‌ی هستی به تماشای جانشین بر حق پیامبر، بر امیر غدیر و غدیریان از غدیر تا قیامت نشست.

غدیر روز رحمت و کمال و روز فرقان، روز هدایت و نجات و شکوفایی و سلام بر امیر منتخب، خلیل نبوت، جانشین پیغمبر، وارث انبیاء، شجره‌ی تقوا، میزان اعمال صالح، امیرمومنان علی (ع) که در روز غدیر خداوند حکیم و عزیز از سر رحمت برای کامل شدن دینش برگزید. پس سلام بر لحظاتی که دریای رحمت الهی چونان بارانی به وقت که مژده‌ی رویدنی‌های زیبا را می‌دهد بر جان آدمیان نازل می‌شود تا آنچه را که پروردگار عالم وعده فرموده به عیان درآید و زمزمه‌های عشق آغاز شود. جان‌ها به تحیت یکدیگر را بخوانند و دست‌ها به هم درآویزند تا مهر عالم‌تاب ولایت، جانشان را از تباهی نجات دهد پس با توجه به این فرموده گران‌قدر از سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) راه گشای نجات از فراموشی و تباهی جان‌ها تنها مهر ولایت است

که عشق به الله را در دلها می افروزد و شعله اش تا ابد روشنی بخش جانهاست پس وای بر احوال کسانی که خود و دیگران را از چنین نعمتی محروم کرده و می کنند.

در این روز بزرگ و مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به وجود مقدس آخرین نشانه ی امامت، وصی بر حق پیامبر و امیر مؤمنان سرور و مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) اعلام می داریم:

امام و مولای ما، در این روز غدیر دستان گنه کارمان را برای بیعت با شما که دستان مبارکتان همان دستان پدرتان امیر مؤمنان و جد بزرگوارتان پیامبر می باشد به سوی شما بلند کرده ایم و تمنا داریم بیعتمان را بپذیرید که وعده ی ظهور و سعادت آن را جد بزرگوارتان پیامبر اکرم (ص) در خطبه ی روز غدیر فرمودند که: هان ای مردم بدانید که همانا من فرستاده و علی وصی پس از من است و امامان پس از او فرزندان اویند و ایشان فرزندان من و از نسل علی (ع) هستند. آگاه باشید همانا آخرین امام قائم مهدی از ماست او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود بدانید که اوست انتقام گیرنده از ستمگران بدانید که اوست انتقام گیرنده از ستمگران بدانید که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها بدانید که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان، بدانید که او خونخواه تمام اولیای خداست، بدانید که اوست یاور دین خدا، بدانید که از دریای ژرف پیمانه های افزون گیرد، بدانید که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند، بدانید که او نیکو و برگزیده ی خداوند است، بدانید که او وارث دانشها و حاکم بر ادراکهاست، بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه های او را برپا می کند، بدانید همان اوست بالیده و استوار؛ بیدار باشید هم اوست که اختیار امور جهانیان و آیین آنان به او واگذار شده است، بدانید که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند، بدانید که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود؛ درستی و راستی، نور و روشنایی تنها نزد اوست، بدانید کسی بر او پیروز نخواهد گشت، بدانید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانت دار امور آشکار و نهان است.

پس ای مهمانان کوی عشق بیایید در این روز فرخنده و مبارک دست بیعتمان را با تمام وجود به پیشگاه این گهر بی‌همتای الهی بلند کنیم به تمنایی که سرشار از انتظار حق و عدالت در قالب یقین و باوری که از عمل با اخلاص و آگاهی از نعمت و رحمت خداوندی است و تجدید بیعتمان را با فریادی که غدیریان تاریخ آن را بشنوند ابراز می‌داریم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

تیر، مرداد و شهریور ۱۴۰۲

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۴۵ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۱۴۰۲ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۰۲

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۱ مرداد ۱۴۰۲

خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس خداوند عظیم، حلیم، غفار و ستار را سزااست. خداوندی که بین انسان و قلبش حائل است و از رگ گردن به او نزدیک‌تر. از خیانت چشمان و آنچه در سینه‌ها پنهان است با خبر و به رازهای نهان آگاه است. اوست آفریننده‌ی هستی و برپا کننده‌ی قیامت و پدید آورنده‌ی جان‌ها پس از نیستی. نیست معبودی غیر او، پاک و منزّه است خداوند کریم و رحمان.

درود و صلوات خداوند بر پیام آورنده‌ی رحمت، رسول امجد، نبی مکرم، ابوالقاسم محمد (ص) و بر خاندان مطهر و گرامی‌اش.

و سلام، سلام نام با برکتی است که پروردگار عالم فرمود: آنگاه که به فرمان من احسانی پیش رو قرار گیرد و ضربان‌های حیات آغاز شود، فرشتگان به خفتگان در زمان مژده دهند: ای منتظران حق، برخیزید تا مهمان وعده‌ای شوید که به آمدنش یقین داشتید؛ اکنون خاک از جان بشوید تا ندای جانتان را که فرمود: ﴿سَلَامٌ قَوْلٌ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ را در گوش جانتان بشنوید و لبیک گویان بروید تا جانی را که غربتش زمان را به فغان می‌آورد را به سرمنزله عشق برسانید.

بله چه زیبا و لطیف است احساس و نوازش خدای مهربان در مورد بندگان عاشق خود همان‌هایی که در عطش وصالش سوختند و تنها با فدا کردن هستی و جان خود به آرامش رسیدند، که ما در این شب به میلاد عاشقی قلبمان می‌تپد که با ذکر و دعا و سرودهای عاشقانه‌اش، مخوف‌ترین سیاه چال را به گلستانی با طراوت تبدیل نمود که هر گلش نشانه‌ی سوز دلش بود و ایشان هفتمین نور امامت و ولایت، عبد صالح، عالم و کاظم، باب الحوائج، امام موسی بن جعفر (ع) بودند.

حضرت در هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری قمری متولد شدند. مدت امامت آن بزرگوار سی و چهار سال بود و در این مدت غالباً یا زندان یا در تبعید به سر بردند، ولی با وجود این در میان مردم نفوذ کامل داشتند و همیشه در حال مبارزه بودند.

امام موسی کاظم (ع) وصی اوصیاء و پیشوای شیعه و محل بروز صفات خداوند متعال و وارث حکمت‌ها و علم‌های پدران‌شان بودند. هارون الرشید لعنت الله علیه خیلی آرزو داشت تا با اذیت و آزار و تبعید و زندان، ایشان را وادار به تسلیم کند ولی این آرزو را به گور برد.

یکی از مناجات‌های مشهور آن حضرت در زندان این بود که می‌فرمودند: خدایا جای خلوتی را برای عبادت می‌خواستم، شکر تو را که به من عنایت فرمودی.

بله چه غافل و نادان‌اند دشمنان اهل‌بیت، به خیال جاهل خود فکر می‌کنند که خورشید امامت را در حصار یا سیاه چال زندانی کنند و مانع تجلی نورش که نشئت گرفته از نور خداوندی است شوند درحالی‌که فقط خود را از رحمت الهی دور می‌کنند چون خیانت به عترت که مزد رسول خداست کفر و دوری از خدا را به همراه دارد.

چه زیباست فرموده‌ی مادر هستی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که فرمودند: عترت را که امانت پروردگارتان است حفظ کنید از شداید نفس اماره که سلاحش یکتا پرستی است و منطقش، توحید بدون واسطه است، درحالی‌که آن جانِ علیل، به زمین افتاده و نیازمند دستی پر توان است تا برخیزد و به پاهایش تکیه کند؛ با توجهات آن دست، به نیرو برسد و بتواند به امر پروردگارش عمل کند و اگر همان جان، به زمین افتاد و برای نجات، پروردگار را خواند همان خواهد شد که خداوند در قرآن کریم فرموده: ﴿چون به آدمی گزندی رسد چه بر پهلوی خفته باشد چه نشسته یا ایستاده، ما را به دعا می‌خواند و چون آن گزند را از او دور سازیم چنان می‌گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندی که به او رسیده بود هرگز نخوانده است. اعمال اسراف‌کاران این چنین در نظرشان آراسته شده است.﴾

پس خطا در معرفت است که جانِ مضطر پس از نجات، پروردگار را فراموش می‌کند.

عترت آینه‌ای است که در خودش هزاران چهره از اعمال بندگان خدا را به ودیعه دارد؛ چهره‌های بیماری که سلامتی‌شان جز در اطاعت رسولشان درمان نمی‌شود، چون خاندان نبوت امانت‌داران گذشتگان و پیشوای آیندگان هستند؛ امانت پیامبران و پیروانشان را در صندوقچه‌ی جان انباشتند تا برای آیندگان گنجینه‌ای باشد که هرگز پایان نیابد؛ اکنون جان‌های مشتاق، خریداران این گوهر گران‌بهایند.

خواهران و برادران در این شب بزرگ در این کوی عشق ما نیز دور هم جمع شده‌ایم که جزء خریداران این گوهر باشیم و به ریسمان الهی که همان حبل‌المتین، وجود مقدس مولا و سرورمان امام زمان (عج) است چنگ بزنیم تا دینمان و توحیدمان محکم و استوار گردد و با دستان نیرومند امامان خداوند را عاشقانه بستاییم.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها ما را جزء کسانی قرار بده که به وصیت پیامبر گرامی‌ات در حفظ امانتش قرآن و عترت کوشا هستند.

بار الها در ظهور منجی عالم بشریت و برطرف کننده‌ی کج‌روی‌ها امام عصر و زمان اب‌الصالح المهدی (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی روز اربعین

۱۴ شهریور ۱۴۰۲

سلام بر ایام. امانت‌دار ثروت جان‌ها در گذر زمان. جان‌هایی که با پروردگار عهد و پیمان بستند که جز با حق نمانند. امروز اربعین این جان‌های مطهر است. همانانی که به ندای حق پاسخ دادند تا حق و باطل را معنا کنند. امروز جان‌ها در طلب حق با تحمل رنج بسیار به طرفشان در حرکت هستند. می‌روند به ندای مولایشان که در زمان‌ها در جریان است پاسخ دهند. کیست که مرا یاری کند؟ در مقابل دشمنی که صد در صد مصمم است تا گلوی حق را پاره پاره کند و این صدا را برای همیشه به فراموشی بسپارد.

امروز دست بیعت حق مداران به طرف دل‌های عاشقی نشانه رفته که جانشان در بند نفس اماره گرفتار نمی‌باشد. دشمنی که حیات را به ممات تبدیل می‌کند. تیغی در میان میدان دیده نمی‌شود. این چه جنگی است که حق را می‌خواند. برایش نوحه‌سرایی می‌کند. به سینه می‌کوبد. مسافت‌ها را می‌پیماید، دیدگانش از اشک لبریز می‌شود. پروردگارش به او می‌نگرد. وای بر امتی که بر خود این‌گونه ستم می‌کنند. امانت جانشان را در بازار باطل به فروش می‌رسانند و برای شهیدانی که جز به فرمان حق در این کارزار نجنگیدند بر سر و سینه می‌زنند. مولایشان اباعبدالله به چهره‌هایشان می‌نگرد. این چه مسلمانی است که قرآن را نمی‌شناسد، عبادت را به بازی می‌گیرد، از فرمان خدای نفسش اطاعت می‌کند. از شهادت درکی ندارد. او بازیچه‌ی شیطان است که به مانند مترسکی به حرکت درآمده تا اربعین را بشناسد.

اربعین حاصل رشادت جان‌های پاکی است که امروز ساعت‌هایش آن را معنا می‌کند. فرمان "اربعین ليله" در جان همگان به جریان می‌افتد. چه کسی توانست تا به این عهد و پیمان وفا کند؟ آیا ده روز جانش در گوساله‌ی سامری به یغما رفت و او امروز را به یاد عاشوراییان به شب می‌رساند تا عمرش در دایره‌ی تکرارها به پایان برسد و او حقی را با خود همراه نکرده باشد. وای بر جهالتی که ظلمتش را هیچ نوری روشن

نمی‌کند. امتی که منتظر حق است ولی در میدان باطل در مقابل حق ایستاده تا حق را پاره‌پاره کند و پروردگار فرموده باطل کف روی آب است که محکوم به نابودی است پس در ساعات روزی که فرمان قرآن کریم را در عهد و پیمان "اربعین ليله" به نمایش درآورده مولایمان را به مدد می‌خوانیم تا دست ناتوانان را با دستان یداللهی خویش از چنگال شیطان نفس برهاند و ما را در صف حق‌مداران و منتظران آمدن دولت حقه قرار دهد تا همواره او را به مدد بخوانیم با ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ۲۸ صفر

۲۲ شهریور ۱۴۰۲

سلام بر آفریننده‌ی زمین و آسمان، خالق کل شی. پروردگار زمان‌ها و دوران‌ها در تمام ادیان. اینک زمان می‌رود تا دل‌های مشتاق را بر سر سفره‌ی بندگانی مهمان کند که تبارک الله را می‌شناسند زیرا پروردگار در خلقشان أحسنُ الخالقین را به تصویر کشیده است تا عقل‌های کاشف‌گر در صفات جان مطهرشان اندیشه کنند. فرشتگان به آستانشان بشتابند. خلیفگانی که حکومتشان تمام نمی‌شود، تخت و تاجشان از بین نمی‌رود، دلدادگانشان بر آمدن و رفتنشان درود می‌فرستند تا زمان امانت خویش را آشکار کند. نامی از باطل بر جای نماند. زمان‌ها و دوران‌ها بر صفحه‌ی جهان ظاهر شوند. وارث انبیاء بر جایگاه جدش بایستد و اعلام دارد: منم وارث محمد (ص)، پیامبری که آخرین برگزیده‌ی الهی بود. رحمتی که همواره در زمان باقی ماند تا اُمتش او را در آیات قرآن کریم بشناسند. خاندانش وارثان حقیقی و رهبران امتش بودند. افسوس که مردمان شیفته‌ی آتشی هستند که شیطان نفسشان می‌افروزد تا حقیقت جانشان را مخفی کند و عمرشان در حلقه‌ی باطل بگذرد و به برزخی وارد شوند که نشانی از علایق باطلشان در آن دیده نمی‌شود. امروز زمان از حرکت می‌ایستد. ساعت‌ها و ثانیه‌هایش به ناله و فغان مبتلا می‌شود. وای بر ساعتی که نشان از ایستادن ضربان قلبی دارد که در دریای احسان الهی غوطه‌ور است. جان مطهرش به فرمان الهی از روح ملکوتی‌اش جدا می‌شود و به دل خاک می‌رود. او عبدالله است، عبد و بنده‌ای که جز رضایت حق را طلب ننمود و اینک قلب زمان از رفتنش به غمی جان‌سوز مبتلا گشته. وحی، گنجینه هدایت الهی با وجود مقدسش همراه می‌شود و همگان را از این نعمت بی‌منتها محروم می‌سازد. روزی که تا قیامت حزنِ اندوهش دل‌های مشتاق را به غمی مبتلا می‌سازد که درمانش جز به دست فرزند و وارث انبیاء درمان نمی‌شود. پس برای آمدنش همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

۲۳ شهریور ۱۴۰۲

خداوندی را می‌ستاییم که همه‌ی هستی را آفرید و همه‌ی موجودات را از زمین و آسمان روزی عطا فرمود و یحیی و یمیت همه در ید قدرت اوست و از فضل و کرمش پیامبران و امامان را برانگیخت تا بندگان راه سعادت را دریابند و بهشت را به ارث ببرند ولی افسوس که اکثریت راه باطل را انتخاب کرده خود را از آن محروم نمودند.

برکات الهی آنگاه که پروردگار امر فرمود: ای جهان بسته بر پایه‌ی لطف و رحمت از برهوتی عطشناک به چشمه‌سارهایی همواره خروشان تبدیل شو تا آنچه را در دل خود می‌رویانی تسبیح‌گوی خالقی باشد که تو را امر به سرسبزی فرمود و زبانی را گویا و چشمی را بینا و گوشی را شنوا خواند که زمزمه‌اش را از تسبیح جلالتش شنید و بر سجده‌ی شکر سر طاعت گذاشت و نعمتی را که پروردگارش برای آسایشش آفرید را در بطن جانش مانند خونی که در رگ‌هایش در جریان است تا مرده را از زنده جدا کند و حق را از باطل، بر دیده عبرت نگریست تا آنگاه که پروردگارش او را و جانش را از گوری خاموش بر صحنه‌ای پُر شور فراخواند. زمین جانش از برهوتی خشک به وصلی مبارک مژده داده شود و خزانش پایان یابد و میوه‌ی جانش به بار رحمت الهی نشیند و شیرینی‌اش جانش را در لذت وصال قرار دهد.

بله اولیاء ما برخلاف بقیه‌ی انسان‌ها که از قیامت ترس دارند عاشقانه به آن عشق می‌ورزند تا به وصال قرب الهی برسند تا در جوار حق آسوده و شادمان زندگی کنند و سر بر سجده‌ی اطاعت گذارند که یا رب جانم در تب و تاب بارگاهی می‌سوزد که رحمتش کلید خلقت است پس مرا بنده‌ای شایسته بر این بارگاه فرما تا همواره با جانی سلامت از خوی حیوانی، تو را بستایم و بر این ستایش مغرور شوم زیرا تمام هستی را به سخن درآورم که من خاکی ناچیزم که به امر پروردگارم شکوفا شدم.

بله ما در این شب پر از غم و اندوه به سوگ شهادت یکی از ایشان در این خانه‌ی نور حضور داریم. هشتمین حجت بر حق الهی، ثامن الحجج، امام علی ابن موسی‌الرضا (ع)

هستند که در این فرصت گوشه‌ای از فضایل و شأن و مقام بزرگ ایشان را بازگو می‌کنیم:

دشمنان اهل‌بیت پس از رسوایی و ننگ سنگینی که از حماسه‌ی عاشورا نصیب آنان شد از دشمنی آشکار و رو در رو با امامان دوری کرده، سعی داشتند با فریب افکار عوام، خود را دوستدار اهل‌بیت و مورد تأیید ایشان معرفی نمایند. با مکر و حيله و به‌وسیله‌ی عوامل خود این موضوع را بین شیعیان و دوستداران منتشر نمودند ولی این غافلان نه تنها آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که خداوند فرموده: «وَمَكْرُوا وَاَلَهُ وَاَلَهُ خَيْرًا لِّمَّا كَرِين.» را نادیده گرفتند بلکه قرآن ناطق بودن امامان که برگزیدگان خداوند رحمان بودند را نیز باور نداشتند. امام علی ابن موسی‌الرضا (ع) دوره‌ی امامتشان مصادف بود با مکارترین و جنایتکارترین غاصبین از خاندان عباسی یعنی مأمون لعنت الله بود که امام رضا را به اجبار از مدینه به مرو آورد و در جمعه‌ی آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری به شهادت رساند.

اینک فرمایشات گهربار پر از معرفت و عرفان امام رضا (ع) در خانه‌شان در مدینه به یکی از شاگردانشان را نقل می‌کنیم. امید داریم با توجه به آن بهره‌ی کافی را ببرید. ایشان چنین فرمودند:

حرم رسول خدا (ص) که در نزدیک این منزل است گنجینه‌ی پروردگار است و زیارتشان بزرگ‌ترین لطف خداوند. آن مکان را بدون نگرانی زیارت می‌کنید، زمانی را که در حرم هستید در میزان زمینی کوتاه است و در میزان برزخ بسیار طولانی. زیارت در مفهوم جسمی حاضر شدن در مکان است و طی عرض زمینی آن. زیارت در مفهوم فرمان، زیارت جان است. در معمای خلقت هرگاه هر دو با هم اتفاق بیفتد به معنای داخل شدن زمان در زمان است که این جز به فرمان الهی میسر نمی‌شود. پس در توان عقلی و روحی هر انسان اتصال به غیب وجود دارد ولی وارد شدن زمان در زمان برزخ غیرممکن است.

عمر از زمان تولد به دایره شب و روز متصل است تا نعمت‌های لطف خالق در جان‌ها شناخته شود. گاه این رحمت‌های بی‌پایان با دریچه‌ها عبور می‌کنند و ساکن

مکان‌هایی می‌شوند که نامش معجزه است مانند کشتی نوح که ساکنانش از دریچه‌ی هدایت رسول به آن مکان وارد شدند و یا بیت‌المقدس که همگان به همراه پیامبر وارد آن شدند و یا حضرت رسول‌الله (ص) که یاران با وجود مقدس وارد مدینه شدند.

در زمان فعلی صاحب‌الزمان (عج) زمان را مطهر به این امر الهی فرموده‌اند و همه‌ی انسان‌ها می‌توانند در زمان هدایت انبیاء واقع شوند. با معجزه‌ی انبیاء در حریم حق زندگی کنند، تمام نشانه‌ها گویای حضور ایشان است در لحظه به لحظه‌ی عمر هر انسانی و این شناخت برای همگان میسر نمی‌شود مانند زمانی که به حرم می‌آیند و ساعاتی در این اتصال خود را حس می‌کنند و بعد از آن به زندگی روزمره باز می‌گردند و تمام مواهب را مختص حرم می‌دانند و زیارت می‌رود در غالب خاطره.

مولا جان چون شناخت وجود امامت برای مردم عصر کنونی با درک غیب همراه بوده و هرگز هیچ‌کس توان دیدن جمال امامت را نداشته است همواره این ارتباطات با محبت قلبی قابل درک است حتی وقتی که به زیارت پیامبر (ص) می‌روند،

می‌فرمایند: پروردگار لطف فرموده‌اند تا از ازل همگان ارتباطشان با پروردگار در فطرتشان نهادینه شود پس احساس در این راستا حرکت می‌کند و نیاز به مددکاری که در ذهنشان است در راستای دیگری و آنچه در زمان فعلی فقدان آن باعث گمراهی شده دوری از این موهبت الهی است. نیاز به یک نیروی غیبی فطرت را تقویت می‌کند و باعث می‌شود تا اتصال روح به غیب آسان‌تر به مرحله ظهور برسد.

مولا جان در مورد مکان لطف الهی، ما را موعظه بفرمایید.

می‌فرمایند: هرگاه تمام نیروهای لازمه‌ی این اتصال در مکانی فراهم شود جان‌ها از ظلمت به نور هدایت می‌شود مانند مکان کعبه‌ی مکرمه که تمام ظلمت‌ها در آن به نور تبدیل می‌شود درحالی‌که همگان در قلب خویش این مکان را پرستش می‌کنند. این تبدیل فقط در حضور در آن مکان برایشان امکان‌پذیر است و این سبب عشق به مکان می‌شود پس انتخاب مکان از جانب پروردگار است تا طبق فرمان قرآن کریم همگان از ظلمت به نور هدایت شوند. هرگاه سعادت پیدا کنید که صاحب این

انتخاب شوید همواره در نور هستید و ظلمت در آن مکان راهی ندارد و این به معنای آن است که اجزاء آن مکان محبتی را در وجودها وارد می‌کند که خود شخص از شناخت آن عاجز است و نعمتش را در غفلت زندگی روزمره گم می‌کند. این بلایی است که لطف‌ها را به یغما می‌برد و انسان همواره مانند چهارپایان به چرا در زندگی روزمره می‌پردازد و زمان را در این غفلت از دست می‌دهد. بروید شاکر لطفی باشید که همتایی ندارد.

همان‌گونه که امام رضا (ع) فرمودند حرم‌ها و مکان‌ها نور در وجودها وارد می‌کنند پس ما که در خانه‌ی مقدس مولا و سرورمان، امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج) حضور پیدا می‌کنیم باید مراقب باشیم که زندگی روزمره نور این مکان را از ما نگیرد. در این مورد یاری می‌گیریم از وجود مقدس خودشان و برای تحقق آن فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۱ شهریور ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

به نام آغاز کننده‌ی آفرینش آنگاه که فرمان داد موجود شو، موجود شد و آنچه موجود شد گردن اطاعت بر خالقش را ضمانت موجودیتش اعلام نمود تا همگان بر درگاه کبریایی‌اش سر تسلیم فرود آورند و جز او را نخوانند. حال به خود می‌نگریم و به خالقمان می‌اندیشیم. آمده‌ایم تا به نام انسان شناخته شویم، بر دو پا راه برویم و چهره‌ی ظاهری‌مان مطلوب نگرستن باشد و درونمان جز برای خالقمان فاش نشود. درونی که گاه بر عرش تکیه دارد و گاه بر فرش می‌تازد. اقیانوسی است بی‌قرار که شگفتی‌اش را جز آفریدگارش فاش کننده‌ای نیست. پس با فرستادن رسولان و جانشینان رسولان رمز جان را می‌گشاید. او را به آغوشش مژده می‌دهد. به الیه راجعون می‌خواندش و منتظر بازگشت سفر کرده‌اش است تا به وعده‌اش او را بنوازد و یا رب ربش را در آغوش رحمتش پاسخ دهد.

بله قلب‌های پر مهر و نازنین رسولان و جانشینانشان مخصوصاً خاندان رسول خاتم حضرت محمد (ص) همیشه جایگاه محبت و نام نیکوی آنان مایه‌ی عزت و نجات و افتخار مؤمنان بوده و اگر با همه‌ی وجود منتظر دولت حقه‌ی آخرینشان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) باشیم باید همواره حق‌جویی و حق‌مداری و مبارزه با باطل‌های درونی و بیرونی را چون اکسیژن هوا بر خود لازم بدانیم چون رحمت الهی در دقایقی است که جهان منتظر نوای جاء الحق و زهق الباطل است تا جان‌ها در وعده‌ی الهی شکوفا شود و همگان بر سر سفره‌ی احسان الهی اطعام شوند. فقیران دست در دست اغنیاء نهند و همگان به صدای ملکوتی سرورشان از کالبد مرده‌ی خویش فراخوانده شوند تا شاهد تابش خورشید زندگی‌بخشی شوند که گرمای وجودش گره‌های خشکیده بر روی ساقه‌های وجود را به شکوفه‌هایی تبدیل نماید که میوه‌اش ظلمات شب را به یاد نمی‌آورد و همواره از منبع انوارش تغذیه می‌کند تا بار وجودش باری بهشتی شود و طراوتش خزانی به دنبال نداشته باشد.

اینک در این شب پر از حزن و اندوه به سوگ شهادت امامی در این کوی عشق حضور داریم که آماده کننده شیعیان برای چنین دولتی هستند. ایشان گوهر و گنجینه‌ی الهی، یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد، با تقوا و با وقار، با عفت و حیا، ابا محمد، ابن‌الرضا، حضرت امام حسن عسکری (ع) هستند که به اعتراف دوست و دشمن مظهر اُبَهِت پروردگار عالم، اُبَهِت اهل‌بیت و اُبَهِت اسلام بود و دارای کرامات زیادی بودند که یکی از این کرامات فرهنگ‌سازی و تعلیم و آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند بزرگوارشان، امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج) بود. این مهم را با تحمل سختی‌ها و مشکلات و با انجام تهرینات و دادن سفارشات خاص در زمانه‌ای که باطلین با حداکثر توان خود سعی در ریشه‌کن کردن امامت و ولایت داشتند و ایشان و خانواده‌ی گرامی‌شان را شدیداً تحت مراقبت و ظلم قرار داده بودند انجام دادند و به شیعیان آموختند که چگونه باید از وجود امام عصر خود کسب فیض کنند. دشمن ظالم و پلید، معتمد عباسی لعنت الله علیه با وجود این همه ظلم و مراقبت‌های سخت باز چون تحمل انوار و بزرگی شأن امام حسن عسکری (ع) را نداشت ایشان را در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۰۶ هجری مسموم و به شهادت رساند. لعنت خدا بر او و پدران غاصبش باد.

حال که به اولین روز امامت مولایمان نزدیک می‌شویم برای مرهم زخم قلب‌های غم‌دیده‌مان در وصف دولت ظهور از مادر هستی کوثر بی‌همتای الهی سرور عالمیان حضرت زهرا سلام‌الله روایت‌هایی را نقل می‌کنیم که ایشان فرمودند: که پدر بزرگوارم، حضرت رسول خاتم (ص) در قسمتی از وصیت‌نامه‌ی خود فرمودند: ای یاران و مددکاران دولت ظهور، بر خود افتخار کنید که نور قرآن را که از خزائن غیب است به سینه‌ی یاران و مددکاران حضرت مهدی وارد خواهند نمود و آن نعمت باعث خواهد شد تا همه‌ی آفرینش مخصوصاً یاران حضرت در هر لحظه که اراده کنند بتوانند بر عوامل زمین تسلط یابند.

همچنین سرور عالمیان از نشانه‌های ظهور که دانش آن فقط مخصوص راسخون به علم یعنی ائمه‌ی اطهار می‌باشد چنین فرمودند: اولین نشانه‌ی ظهور مانند به دنیا آمدن رحمت الهی وجود مبارک پیامبر (ص) ترک خوردن دیوارهای ظلم خواهد بود؛

در تمام دنیا ساختمان‌های بلند به زمین‌هایی مرتفع تبدیل خواهد شد و هرگز هیچ اراده‌ای نخواهد توانست تا مانع ویران شدن آن‌ها شود؛ بعد از نشانه‌ی اولی نشانه دوم که طوفان‌های شدید است آغاز خواهد شد و از هر محل بسته‌ای به درون خواهد آمد و مشرکین و منافقین زمان را مانند قوم صالح بر زمین خشک خواهد نمود؛ طوفان از همه جا وارد خواهد شد ولی کسانی که جزء صدیقین راه خدا و پیامبر و ائمه‌ی اطهار باشند این طوفان را مانند یک نسیم بهاری احساس خواهد نمود و بی‌اعتنا به آنچه اتفاق افتاده آماده می‌شوند تا به دولت ظهور بپیوندند و در نشانه‌ی سوم کسانی مجدداً به حیات کوتاه مدت برگشت داده می‌شوند تا در دولت ظهور زندگی کنند و مجدداً به عالم برزخ برگشت داده می‌شوند این افراد شامل انبیا و اولیاء هستند که زندگی و مرگ آن‌ها در زمان ثابت نمانده و هرگاه اراده کنند می‌توانند از نعمت‌های آن استفاده کنند پس وظیفه‌ی منتظران واقعی در قبل از ظهور چنین دولتی که به دنبال رضای الهی هستند عمل به دستورات قرآن کریم و انتشار معروف و نهی از منکر خواهد بود.

پس با این سفارشات گهربار سرور عالمیان در این زمانه و جامعه‌ی پر از کفر و فساد، فتنه و نفاق، بی‌حیایی و ظلم باید به دامن قرآن کریم پناه برد و با عمل به دستورات آن و هدایت‌های ائمه‌ی اطهار برای نشر دین و امر به معروف و نهی از منکر کمر همت بست تا ما نیز از منتظران واقعی آن دولت کریمه باشیم. برای اجابتش فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ مهر ۱۴۰۲

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

سلام بر رحمت للعالمین، رحمت گسترده‌ی پروردگار عالم در طلوع و غروب روزی که همه هدایتگران بر سر عهد و پیمانی حاضر می‌شوند که در جان عالم به ودیعه دارند.

امروز آغاز امامت آخرین ذخیره‌ی پروردگار است. وارث تمام انبیاء و اولیاء و وعده‌ی قرآن کریم، صاحب دولت حقه حکومتی که نشانی از باطل در آن یافت نمی‌شود. دل‌های مشتاق به سویش در حرکت است. ای ذخیره‌ی پروردگار طلوع امروز نوید سلطنت حق را در دل‌ها زنده می‌کند که ظلمت زمان را می‌شکافد، تاریکی جهل را از میان برمی‌دارد. جهل ویرانگری که عقل‌ها را نشانه گرفته، صفت‌های انسانی را به درنده‌ای تبدیل نموده که جان خویش را پاره پاره می‌کند، از تمام موهبت‌های الهی می‌گریزد. جانش در آتش امیالی می‌سوزد که توان مبارزه با آن را ندارد. روزها تفاوتی با یکدیگر در طلوع و غروبش برای مرده‌ای که در روزمرگی خویش اسیر است را ندارد.

چگونه توان درک دولتی را دارد که امروز همگان بر سفره‌ی پر از نعمتش مهمان هستند تا از طعامی تناول کنند که آسمان و زمین در حلقه‌ی محبتش در سوز و گداز است. چشم‌های منتظر بر راهی دوخته شده که خود فرموده منتظرم بمانید من خواهم آمد. دست‌های بیعتتان را با فرامین الهی در اطاعت پروردگار در دست می‌گیرم تا غم‌ها را از دل‌ها بزدایم. عمرها را در مدار سرعت قرار دهم، سرعتی که اکنون همگان در رسیدن به امیال دنیوی در دایره‌ی آن اسیرند، آن‌چنان سوار مرکب نفس اماره شده‌اند که گذشت عمرشان را درک نمی‌کنند. روز و شبشان در حساب و کتاب دنیایی می‌گذرد که در آن ثروتی ذخیره نمی‌شود و شعاع نور امروز آغاز امامت امامی را خبر می‌دهد که دل‌های مشتاق حق را می‌شناسد. به چهره‌هایشان می‌نگرد، غم جدایی و دوری از امامشان را در دل‌هایشان حس می‌کند. چه انتظار شیرینی است که

وجودها را به مانند رودخانه‌ای از تمام پلیدی‌ها پاک می‌کند تا جانی مشتاق فرج شود
که امروز بر سفره‌ی حق مهمان بوده و با تمام هستی او را خوانده به دعای:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۸ مهر ۱۴۰۲

سلام بر طلوعی مطهر که همه‌ی ناپاکی‌ها در برابرش شکسته شده و باطل به رو درافتاده و به ناله و فغان عجز و ناتوانی خود را در مقابل حقی که زمین و آسمان را منور به نور خود نمود ابراز داشت و در همه‌ی هفت آسمان و زمین هلهله و شادی پیچیده و ندا آمد: ای خلق عالم از اولین تا آخرین بر شما مژده باد که سرور انبیاء و اوصیاء حضرت محمد (ص) به وعده‌ای که خداوند به همه‌ی انبیای گذشته داده بود عمل فرمود. به دنیا آمد تا با وجود مطهرش حق تا قیامت بر زمین جاری شود. پس سلام و درودِ ثانیه‌های حیات بر تپش قلبی که حیاتش را آنگاه که با فرمان پروردگارش اعلام فرمود: مردگان از گورهای زمان برخاستند و حیات انسان‌ها در انوار هدایتش تا برپایی قیامت از هدایت بی‌نیاز گردید و محبتش در آسمان‌های هفت‌گانه به ثبت رسید و ملکوتیان چهره‌اش را شناختند و آنگاه نامش اعلام گردید محمد (ص). زمین از آمدنش مژدگانی خواست و پروردگار فرمود: من و فرشتگانم تا عالم باقی است بر او درود و سلامی پی‌درپی خواهیم فرستاد تا جهان با نامش از کفر به سایبان هدایت تبدیل شود و تشنگان هدایتش از انوارش بنوشند تا جام‌های جانشان از انوار پروردگارشان تهی نگردد که خداوند بر او چنین سلام فرمود: سلام بر تو ای گنج پایان نیافتنی و ای معدن رحمت پروردگار عالم، تو را برگزیدم تا نقش جانت را در قالبی که به آن می‌بخشم نام‌گذاری کنم. پس در مقابلم بایست تا تو را بنگرم، می‌خواهم نامت را معرفی کنم. نامت را چون رشته‌هایی که در هم می‌آمیزند تا نامی یابند و آن نام نقش جانشان گردد خواهم گذارد پس به لوح محفوظ فرمان می‌دهم تو را صدا بزند تا قیام کنی و لوح مانند غرش صاعقه به جان عالم زمین نقش می‌بخشد و می‌گوید محمد (ص) آمد. یحیی و یمیت آمد. رازق و مرزوق آمد. زنده شوید و رزق جاوید را ببینید که عالم را مرزوق است که سایه‌ی رحمتش بی‌نویان را می‌نوازد و آتش عشقش کفر و طغیان را می‌زداید.

پس عاشقان کوی‌اش، نامش را با درود پروردگارش بخوانید تا جراحتهای دوران به نوید رحمتش مرهم شود و مسافران کوی‌اش به سرمنزل جاودانگی نوید داده شوند. سپاس و باز سپاس بر قلبی تپنده که انوار روح خداوند است و با هر ضربانی گویای فرامینی که آفرینش را بر همگان عرضه می‌دارد. پس کتاب جان‌ها در هدایتش جاودانه می‌شود و همگان در انوارش از تاریکی جهل نجات می‌یابند. اینک خاطره‌ی زیبایی از زبان گهربار سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) در مورد پدر گرامی شان نقل می‌کنیم که فرمودند: من سال‌های عمرم را در خانه‌ای گذراندم که همواره صدایی صاحب‌خانه را می‌خواند و پاسخی می‌شنید که فرزندم به درون بیا. پدرم رسول خدا (ص) تمام مهمانان را فرزند خود خطاب می‌کرد و به‌طرف آنان می‌رفت و با محبتی که جان انسان را به شور و شوقی مبتلا می‌کرد مهمان را در کنار خودش می‌نشاند و سؤال می‌فرمود آیا احساس راحتی می‌کنی و تا پاسخ مناسب را نمی‌شنید خیالش آسوده نمی‌شد. آنگاه رو به آسمان می‌کرد و می‌فرمود: پروردگارم در خانه‌ام را به فرمان تو گشودم و در دلم را به فرمان قلبم. پس یاری‌ام کن تا امانت‌دار قلبم باشم. و آن را با عشق تو به دیگران پیوند کنم و مرا صدا می‌زد و می‌فرمود: فاطمه جان پدر را یاری کن و مهمان را دریاب. وقتی وارد اتاق می‌شدم برمی‌خاست و می‌فرمود: دخترم، نعمت خدا بر ما تمام شد و دستان کوثر الهی ما را اطعام فرمود. اگر شربت یا آبی بود جام آب را بر دیدگان مبارک می‌گذاشت و می‌فرمود: شکر خالقم را که محمد (ص) نعمت تمام کرد و آنچه به او عطا کرد تمام نعمتی بود که به بنده‌ای عطا فرمود. من از کنارش می‌رفتم. رسول خدا (ص) در برگشتم می‌فرمود: خوشا بر مهمانی که مهمان فاطمه (ص) باشد. پس قدردان پیامبری باشید که اُمّتش را چون نور دیده‌اش دوست می‌داشت و همواره بر آنان مهربان بود و جان فرزندان رسول خدا (ص) همواره شکوفه‌ای از حقیقت رسالت است که هرگز بهارش خزانی نداشته و همواره با بار نبوت همراه بوده و میوه‌ی جانش از شاخه‌ی وجودش جدا نشده.

اینک در این روز مبارک به شادمانی میلاد یکی از فرزندان این خاندان در این خانه‌ی مقدس حضور داریم. ایشان ششمین اختر آسمان ولایت و امامت، معلم راستین قرآن و عرفان، امام جعفر صادق (ع) است، امامی که پاک‌کننده‌ی انحرافات از باورهای غلط

دینی مردم و باطل کننده‌ی روایت و احادیث جعلی و کاذب بودند. روایت‌هایی که به وسیله‌ی منافقین و جاهلین وارد دین شده بود و ایشان با جایگزین کردن احادیث صحیح به ما راه و رسم شیعه شدن یعنی پیرو امامت و سنت پیامبر بودن را آموختند و افتخار ماست که ما را شیعه‌ی جعفری می‌نامند.

در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت وجود مقدس مولا و سرورمان امام زمان (عج) به ساحت مطهرشان ابراز می‌داریم: ای مولای ما، برپا کننده‌ی کرسی عدالت، نابود کننده‌ی باطل، عزیز کننده‌ی منتظران و شیعیان همان گونه‌ای که آگاهی دارید در زمانه‌ی پر از آشوب کفرین و فاسدین و منافقین همچون زمانه‌ی جد بزرگوارتان پیامبر، جرئت جسارت به مقدسات و اولیاء و باورهای دینی ما پیدا کردند و قلب ما هر روز در آتش کفرشان می‌سوزد. به فریاد امت دل شکسته‌ی خود برسید که چشم به راه دولت حقه‌ی شما لحظه‌شماری می‌کند و تعجیل در آن را از پروردگار به تمنا می‌خواهد:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۰ مهر ۱۴۰۲

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

شکر و سپاس پروردگار قادر و توانا را سزااست که از سر حکمت بالغه و علم کامله‌ی خود اراده فرمود که آدم بیافریند و او را بر همه‌ی مخلوقات خود برتری داده و فرمود: ای آدم تو و زنت از هر نعمتی بخورید و به هر کجا خواهید بروید و به آن چیزی که منع شدید نزدیک نشوید و شیطان او را فریب داد و از بهشت بیرون شدند و زمین شد محل سکونت آنان و خداوند رحمان از سر رحمتش پیامبران را فرستاد تا با اطاعت از آنان فرزندان آدم به جایگاه اصلی‌شان بازگردند ولی افسوس این‌گونه نشد. باز شیطان و نفس بیشتر آنان را گمراه نمودند و پروردگار کریم با برگزیدن پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و اهل‌بیتش زمینه‌ساز دولت حقه‌ی آخرین فرزندش امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) باشند پس حمد و ستایش از آن پروردگار بنده‌نواز و کریم است که چنین با بندگانش مهربان و کریم است و سلام بر دوران‌ها آنگاه که به سخن درآیند گاه توان گفتن آنچه در درون دارند را دارند و گاه چونان دریایی بر لطف الهی بوده آنچه نگاشته حکایتی از ساعاتی است که نقشش مانند رنگی که ثباتی ندارد کمرنگ گشته، آرام آرام به فراموشی سپرده شده. اینک صاحب‌الزمان (عج) او را می‌خواند: اینک توان گفتن رمز و راز ساعات خویش را نداری؟ پیش بیا تا رازی را برایت فاش کنم. زمان متوقف می‌شود، ضربانی شنیده نمی‌شود، زمان در دست صاحب خویش به مانند گویی خاموش است. نوری عالم را می‌افروزد. زمان از انوار صاحب خویش از تاریکی به نوری درخشنده تبدیل می‌شود. رازش در درخشندگی انوارش معنا گشته و زمین در انوار صاحبش از تاریکی جهل به نوری تبدیل می‌شود آنگاه دولتی بر سلطه‌ی عالم می‌درخشد که در شبش مهتاب و در روزش خورشیدی وجود ندارد.

بارالها در این شب مبارک ما تو را می‌ستاییم تا جان حقیرمان به زینت آن منور گردد و دانه‌های ذخیره شده در آن به آب رحمت بارور شود و نهالی استوار به بار آورد پس پروردگار کریم به برکت این رحمت درود فرست بر بنده‌ی برگزیده و رسول گرامی‌ات

حضرت محمد (ص) و اهل بیتش که وجود مبارکشان نوری افزون بر نوری دیگر در ظلمات جهل هستند.

امشب میلاد سیزدهمین نور ایشان یعنی یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد، با تقوا و با وقار حضرت امام حسن عسکری (ع) است. این امام همام در هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری به دنیا آمدند و مدت ۲۲ سال همراه با پدر بزرگوارشان امام هادی (ع) و ۶ سال امامت خود را در زندان و یا در تبعید به سر بردند. زندانبانان که از طرف معتمد عباسی مأمور بودند چنین از ایشان تعریف کردند: او کسی است که همیشه مشغول عبادت خداوند است. روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها تا صبح به عبادت است. کم حرف و باوقار و با ابهتی خاص که هر زمان به ما نگاه می‌کرد لرزه بر اندام ما می‌افتاد. نه تنها مأمورین زندان بلکه خود خلفای ملعون و اطرافیان آنان به عظمت و شوکت و اُبهت و شخصیت امام اقرار داشتند ولی با این وجود بر آزار و زندان و تبعید و بالاخره شهادتشان اقدام کردند. لعنت الله علی قوم الظالمین والقاتلین حال در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (ع) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم:

مولای ما یقین و باور داریم که دست قدرتمند امامت شما همیشه برای یاری منتظرانتان آماده است این ماییم که در غفلت از آن به سر می‌بریم پس ما را یاری فرمایید به سفارشات گهربار شما عمل کرده و خود را رستگار کنیم.

بارالها امام حسن عسکری (ع) سال‌ها آزار و زندان و تبعید را تحمل کردند تا حق پایدار و باطل نابود شود. ما را در پیروی از آن بزرگوار یاری و موفق فرما و دعیمان را که فریاد می‌زنیم قبول بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

۲۶ آبان ۱۴۰۲

حمد و سپاس از آن پروردگار کریم است که آفریننده‌ی مخلوقات، گشاینده‌ی روزی، برآورنده‌ی سپیده‌دم هاست. صاحب جلال و جبروت و کرم و فضل و نعمت است که خود فرمود: الله همان خداوندی است که آسمان‌ها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت سپس به عرش پرداخت و آفتاب و ماه را که هر یک تا زمانی معین در سیرند رام کرد. کارها را می‌گرداند و آیات را بیان می‌کند، باشد که به دیدار پروردگارتان یقین کنید.

بارالها به کرم و بزرگی‌ات یقین داریم و به یکتایی‌ات گواهی می‌دهیم و به مهربانی و جود و سخا و عطابخشی‌ات معترفیم و از آنانی که این‌ها را انکار می‌کنند بیزاری می‌جوئیم که رسوای دو عالم هستند. مردگانی که بر دو پا راه می‌روند و اسیر نفس و جهالت هستند که روز به روز بر سیاهی و تباهی آن افزوده می‌شود و قلب‌های مؤمنین از آن به خون می‌نشیند همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرا (س) پیش‌بینی فرمودند که: شما باید از عمل من بیاموزید تا چراغی باشد که در انوارش جهان را که در تاریکی جهل مبتلا به سیلی ویرانگر گردیده و به شدت به سمت نابودی ارزش‌های انسانی در حرکت است متوقف کنید. پس امیدوار باشید لحظه‌ای خواهد رسید که ملکوت آسمان با زمین در آن به هم خواهد پیوست و حقایق وعده‌ها آشکار خواهد شد پس مشتاق شنیدن حقایقی باشید که منتظر آن بودید پس مراقب نفس‌های خود باشید تا طهارت خود را در احاطه‌ی کتاب آسمانی آن‌چنان حفظ کند که بتواند نفس‌های پلید را در جانش به نفسی مطهر تبدیل کند. به لحظه‌ای بیندیشید که شما دست پیوند به تاریخ خواهید داد، آنان را به محبت زمان دعوت خواهید نمود پس امید وصل را مانند اتصالات استخوان‌های خود بدانید که بدون آن اتصالات حرکتی نمی‌توانید داشته باشید و شاکر عمری باشید که شاهد عزت است در وجودهای بندگان پروردگار عالم. پس به بازوان حق مدد دهید تا جهان تشنه از عدالت را سیراب کند.

چه زیبا سرور عالمیان فرمودند و ما را از آنانی که در این زمانه با کفر و فساد و عناد و بی‌حیایی و جهالت دنیا و آخرت خود را فنا کرده و عذاب را به جان ذلیلشان می‌خرند جدا فرموده و نوید نجات دادند و این مژده شامل آن دسته که با لباس مسلمانی با نفاق و ظلم زندگی می‌کنند نیز می‌شود که فرمودند:

جان عالم منتظر است تا پوسته‌ی خویش را از جان جدا کند تا همگان برهنگی‌اش را ببینند و سرانگشتان خویش را بگزند و درحالی‌که اشک ندامتشان بر چهره‌ی رنج کشیده از مکرشان جاری می‌شود الله را بخوانند به مددی که دیگر زمان یاری‌شان نمی‌کند. آنان را وا می‌گذارد تا نقاب چهره‌هایشان از صورت مسلمانی دریده شود و همگان پشت آن چهره‌ی مکار را ببینند.

بله نمونه‌ی بارز آن، بانوی بزرگوار و مکرم اسلام، حضرت زینب کبری (س) است که در نهضت عاشورا نقاب نفاقِ سرانِ ظالم و منافق و فاسد زمانه را برداشته و رسوا نمودند که ایشان شجاعت و اطاعت در مقام بندگی و پیروی از ولایت و امامت شاخصه‌ی بارزشان بود و مجری به دستورات قرآن و ظلم‌ستیز و کوبنده‌ی باطل و پرچمدار حق بودند. تولد وجود مبارکش را جشن می‌گیریم. وجودی که مظلوم ماند و در اثر عدم شناخت شیعه شخصیتی غیر از واقعیت مقام و منزلت و عملکردشان در ذهن‌ها جا گرفت و روایت‌های کاذبی که نقل مجالس شیعه در حال حاضر است مغایر با ایشان و مقامشان است به‌طوری‌که نقش مؤثر و جهاد گرانه و همراهانه‌ی ایشان با امام حسین (ع) در نهضت کربلا را علاقه و ارتباط خواهر و برادری مثل احساس مردم عادی تلقی می‌کنند درحالی‌که ایمان و استواری در اوج عشق و بندگی خداوند و اطاعت و یاری ولایت و امامت ایشان را نادیده گرفته‌اند. ایشان پرورش یافته در مکتب امیر مؤمنان (ع) و حضرت زهرا (س) بودند و می‌فرمودند: مادرم حضرت زهرا (س) در داستان‌هایی که شب‌ها برایمان می‌فرمودند داستان رنج‌های جاهلیت را پس از پیامبر سخت‌ترین رنج‌ها نام می‌برد. دست را بر گیسوان من می‌گذاشت و با تبسمی می‌فرمود: هر خانه‌ای دری دارد که آن خانه را محافظت می‌کند و شما در خانه‌ی قرآن کریم هستید. از کتاب الهی محافظت کنید و آیاتش را همچون هوایی فرض کنید که

به آن محتاج هستید پس وقتی دیگر هوایی برای نفس کشیدن باقی نمی‌ماند که در آن خانه نمایی زیبا و درونی تاریک داشته باشد. ما همواره از فرمانش محافظت کردیم. بله این است عشق و ایمان و بندگی پروردگار که خاندان پیامبر (ص) بر خود وظیفه فرض می‌کردند و چه زیبا به این وظیفه عمل نمودند.

اینک در این شب مبارک به ساحت مقدس مولا و سرورمان، امام عصر و زمان (عج) ضمن تبریک و تهنیت به مناسبت میلاد عمه‌ی گرمی‌شان حضرت زینب کبری (س) خدمتشان به تمنا ابراز می‌داریم: در این زمانه‌ی پر از کفر و فساد و فتنه و نفاق قلب‌هایمان به خون نشسته، یاری فرمایید از حق پیروی کنیم و از باطل و باطلین برائت بجوئیم و برای آن لحظه‌ی ظهوری که مادر گرمی‌تان توصیف فرمودند لحظه‌شماری کنیم که فرمودند: رحمت الهی در دقایقی است که جهان منتظر ندای جاء الحق و زهق الباطل است تا جان‌ها در وعده‌ی الهی شکوفا شود و همگان بر سر سفره‌ی احسان الهی اطعام شوند. فقیران دست در دست اغنیا نهند و همگان به صدای ملکوتی سرورشان از کالبد مرده‌ی خویش فراخوانده شوند تا شاهد تابش خورشید زندگی بخشی شوند که گرمای وجودش گره‌های خشکیده بر روی ساقه‌های وجود را به شکوفه‌هایی تبدیل می‌نماید که میوه‌اش ظلمات شب را به یاد نمی‌آورد و همواره از منبع انوارش تغذیه می‌کند تا بار وجودش باری بهشتی شود و طراوتش خزانی به دنبال نداشته باشد. پس ما همگی برای آن لحظه که خداوند آن را نزدیک فرماید فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۴ آذر ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)

سلام بر زمان و آنچه در جانش به ودیعه دارد مانند ساعات امروز که در آینه‌ی جانش مصیبتی را ذخیره نموده که حکایت از جان مطهر کوثری دارد. حکایتی که زمان قادر به توصیف غمش نمی‌باشد. گوهری بی‌همتا، هدیه‌ای از طرف پروردگار عالم. عالمه‌ای که عملش زمان را متحیر نموده بود، در اثر جهل کوردلانی که قادر به تشخیص ذخایر الهی نبودند از عصرها و دوران‌ها گرفتند. گوهری که امروز به دل خاک می‌رود شهیده‌ی زنده و پاینده است و پروردگار وجود با برکتش را از ذخایر زمان قرار داد تا همواره از شجره‌ی وجود با عظمتش عالم از برهنگی به باغ‌های فردوس تبدیل شود. باغ‌های پر ثمره‌ای که هیچ خزانی در آن راه ندارد. نام با برکتش معنا کننده‌ی یحیی و یمیت است. چه زبانی قادر به توصیف این گوهر ملکوتی است درحالی‌که پروردگار نام با برکتش را خود انتخاب فرموده تا دوستدارانش به دنبال حقیقت شأن و مقام خلیفه‌ای باشند که در خانه‌ی امیر مؤمنان (ع) منشأ خیر و برکت بود. با طلوع هر خورشید هزاران نعمت پنهان و آشکار بر مردمان آن زمان می‌بارید و آنان کوردلانی بودند که هرگز توان درک این نعمت الهی را نداشتند. جهلی که همواره سایه‌ی سنگین خویش را بر سر مردمان عصرها می‌افکند تا با درونی خالی از فهم و درک نعمت‌های خداوند کریم عمرشان به پایان برسد؛ مانند چهارپایان از خانه خارج شوند و با غروب خورشید جان‌های مرده در کالبدشان را به خانه بیاورند. هرگز به خلقتشان اندیشه نمی‌کنند هدایت انبیاء را بازیچه‌ای فرض می‌کنند که دیگر کاربردی ندارد. معجزه‌ی قرآن کریم را در نیازهای روزمره‌شان خلاصه می‌کنند و درکی از عظمتش ندارند، پیرو عقلی هستند که بیرونش جذاب و درونش تاریک و پوشالیست. روح حقیری که توان درک نعمت خویش را ندارد چگونه قادر است تا نعمت پروردگار را بشناسد. نعمتی که هم اکنون در محضرش نشسته است و او را غایب از هدایتش می‌بیند. دست یاری‌اش را به اندیشه‌های ذهنی ناتوان می‌سپارد و همواره او را به فرج دولتش می‌خواند، دولتی که از نعمتش تغذیه می‌کند و ناتوان از فهم و درکش است.

چگونه توان درک کوثری را دارد که برای آمدنش به شادی می‌پردازد. وجود مقدسش را در آمدن و رفتنش خلاصه می‌کند. وای بر احوال کسانی که در غفلت نعمت‌های عمرشان روزها را سپری می‌کنند درحالی‌که مانند قوم بنی‌اسرائیل از درک طعام آسمانی محروم‌اند و به دنبال کاشته‌ی وجود خویش می‌روند. مزرعه‌ای که هرگز حاصلی جز افسوس را به دنبال ندارد.

امشب به دامن با برکت بانویی متوسل می‌شویم که کوثر همواره جاری پروردگار عالم است و می‌تواند ظلمات جان‌ها را به نام با برکتش از میان بردارد. جان‌های مرده در کالبد خاکی را به جانی ملکوتی تبدیل فرماید پس او را بخوانید به برپایی حق و نابودی باطل، همان حقی که زمان‌ها و دوران‌ها منتظرانش هستند و همواره او را می‌خوانند به نوای:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۶ آذر ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

به نام پروردگار کریمی که همواره دامن رحمتش برای همگان گسترده است و آنگاه که بندگان در تاریکی جهل خود را فراموش می‌کنند یاوری‌اش را به میدان جانشان هدیه می‌نماید تا با یاری‌اش از جا برخیزند و تاریکی باورهای غلط را به روشنایی درکی روشن درمان کنند و در این راه بهره بگیرند از اولیاء الهی که زندگی و راه روشنشان روشن کننده مسیر رستگاری و نجات بوده و جانشان در پرتو انوار الهی از جهل و باورهای غلط منور به نور ایمان و توحید و تقوا شده است ولی افسوس شیطان به کمک عده‌ی زیادی منافق و کافر علیه قرآن و امامت و باورهای دینی مردم اقدام کردند که جامعه‌ی بشریت نه تنها از دین بلکه از انسانیت نیز فاصله گرفته است. چه زیبا و عالمانه امیر مؤمنان (ع) آن را توصیف فرمودند: ای مردم شما در روزگاری به سر می‌برید که امور خیر به شما پشت می‌کند و امور شر روی خود را به شما می‌نماید و در این دوره وسایل شیطان برای فریب دادن مردم افزایش یافته و می‌تواند بیشتر مردم را فریب بدهد. دوره‌ای است که اگر نظری به اطراف بیندازی غیر از فقیرانی که از تهی‌دستی خود رنج می‌برند یا اغنیائی که کفران نعمت خدای را می‌کنند یا ثروتمندی که از بذل قسمتی از اموال خود به محتاجان بخل می‌ورزد یا بی‌دینی که گوشش به هیچ وجه آماده شنیدن اندرزهای خداوند نیست نمی‌بینی.

افسوس و صد افسوس بر مردم کشوری که ادعا دارند شیعه و پیرو امامت هستند درحالی‌که شیطان و نفس همچون موریانه از درون‌ها تغذیه کرده و باعث فروریختن نه تنها دین شده بلکه حیا و آدمیت و جوانمردی و انصاف و رحم و مروت به هم نوع را نیز از دست داده‌اند. اینان دنیا را بدون مدبر دیدند و قیامت را افسانه فرض کرده‌اند.

اینک حقیقت قیامت از زبان گهربار سرور عالمیان حضرت زهرا (س) می‌شنویم که: پروردگار امر فرمودند هرگز کسی توان شمردن نعمت‌های الهی را ندارد. نعمت‌های

داده شده به مانند متاعی گران بها در جانش می درخشد. گوهری که او را خلیفه خواندند تا بر کرسی جانی بنشیند که مالک تمام نعمت های عالم است و او خزانی را برگزید که تمام نعمت هایش از جانش جدا می شود و او برهنه به صحرای قیامت خوانده می شود تا در آتش حسرتی بسوزد که خود فروخته است. سلام بر ساعات انتظار، به ساعاتی که پروردگار فرمود: شما منتظر بمانید که ما هم منتظر می مانیم. ساعات و لحظاتی که به انوار حق مزین است تا وعده ی الهی از راه برسد و انتظار در قالب حق معنا شود. قلب ها در سینه ها به تپش جدیدی اعلام حیات کنند. توان جان ها به حرکت درآید. ای یاور درماندگان به جانی که در همدم خاک بود و اینک از آن برمی خیزد تا به تماشای محفلی بشتابد که در آن صف حق و باطل از یکدیگر جدا می شود تا قیامت معنا شود. حق ها به یکدیگر پیوندند و باطل ها در آتش حسرتی که خود فروخته اند شعله ور شوند. وای بر غفلتی که با هیچ ندایی از بستر دنیا برنخاست. خوابی که بیداری در پی نداشت. شکمی که همواره از باطل انباشته شد. فکری که در راستای خواهش نفس اندیشید. چشمی که در ظلمت خواهش های نفس قادر به دیدن حقیقت وجود نشد. اینک به حق مداران می نگرد. آیا از آنچه برایتان به ارمغان آورده اند ما را اطعام می کنید؟ حجابی در مقابلشان به وجود بیاید و آنان را از دیدن جمال حق محروم کند تا همچنان در آنچه با خود همراه کرده اند بمانند و راه نجاتی برایشان رقم نخورد.

با توجه به این فرمایشات باور و یقین داشته باشیم در قیامت خداوند قادر متعال از همه اعمال آگاهی داشته و همه را مورد محاسبه قرار داده. حق و باطل را جدا و برای هر کدام پاداش و عقاب خواهد کرد پس بیایید تا دیر نشده و عمرمان به پایان نرسیده با عمل به دستورات الهی در قرآن و سفارشات مولا و سرورمان امام زمان (عج) خود را نجات دهیم و از پروردگار کریم تمنا کنیم تا در ظهور دولت حقه امامان تعجیل بفرماید تا با عمل به اسلام راستین ناب محمدی خود را رستگار کنیم و برای برآورده شدن آن فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱ دی ۱۴۰۲

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)

خداوندا شکر و سپاس تو را سزااست که آفریدی انسان را و تاج عزت بر سرش نهادی و طوق‌های شرافت را بر گردنش افکندی و خلیفه‌ی خود قرار دادی و بر دیگر مخلوقات برتری بخشیدی و در بهشت خود جای دادی ولی افسوس که زمین جایگاه انسان گردید و در این غربت با سختی‌ها و مشکلات روبرو شد و کسانی که این هجران را با تمام وجود درک کنند جهد و کوشش خواهند نمود که دگربار به بهشت قرب تو درآیند.

پس سلام بر دقایقی که جان‌ها در مخزن اسرارشان منتظر آن هستند تا با نوایی از جای برخیزند و خاک سال‌ها انتظار را از ظاهر جان بزدایند و به طرف جانانشان حرکت کنند. دست‌هایشان را بگشایند تا نعمت محبت را در آغوش گیرند و مهمان خالقشان شوند. رنج‌ها را فراموش کنند و به خانه‌ی سال‌ها هجران کرده‌شان بازگردند.

پس باید در آیات کریمه‌ی قرآن اندیشه کرد تا خود و خدای خود را شناخته تا سوزش غم این هجران را درک کرد و تأسف خورد که انسان به چه عزتی و مقامی آفریده شد. حال اگر شناخت و درک و عمل نکرد در چه ذلتی و پستی زندگی می‌کند و خداوند کریم از رحمت و مهربانی واسعه خود انسان را مدد کرده تا دوباره به خود و مکان اصلی خود بازگردد. افسوس که جان‌ها از جانشان جدا شدند و به دیار غربت آمدند. خداوند از سر رحمتش پیامبران را برگزید تا با یاری آنان خداوند را در عظمتش درک کرده و غربت زمین را با مناجات و دعا به گلستان تبدیل کنند و این مهم با وجود پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و اهل بیتش به اوج خود رسید.

ما در این روز مبارک به میلاد یکی از ایشان که خداوند کریم یکی از بزرگ‌ترین و عزیزترین نعمت‌ها و رحمت‌های خود را به پیامبر اسلام و امتش و در حقیقت به بشریت عطا فرمود، به‌طوری‌که خداوند متعال، خود از او با عنوان کوثر یعنی رحمت جاریه نام برد که این مولود مبارک همان مادر هستی، بانوی دو عالم، دخت پیامبر،

حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا (س) است که درود و تحیت خداوند بر ایشان و پدرشان و همسر و فرزندان باد.

سلام بر سیده زنان که رشادت را در تاریخ ثبت نمود تا حق طلبان چراغ راهش را بر دستان لرزانیشان گیرند و هرگاه تاریکی و ظلمت جهل را احساس کردند چراغ حق طلبی را بیفروزند تا نورش در تاریخ جاودانه شود.

بله کوثر الهی که عمر پربرکتش هر ثانیه اش شب قدری را معنا می کرد و علمش همچون اقیانوسی خروشان بود که دشمنان پدر بزرگوارش نگذاشتند بشریت از این کوثر الهی بنوشد و از جهل نجات یابد. در این باره وجود مبارکشان چنین فرمودند:

سرزمین وجود پیامبران الهی میقات رب العالمین است. مالکیتی جز الله وجود ندارد پس به آن کوچ کنید تا خانه هایتان خانه امن از حیوانات درنده شود. خانه ی فاطمه نامش کوثری است که نوشندگانش سیراب نمی شوند بلکه از تشنگی لب هایشان می ترکد و خون جانشان از محبت پروردگارشان گویای عطشی است که جز به دست رحمت الهی فروکش نمی کند. پس جانتان را سرزمینی بدانید که در انتظار آمدن باران رحمت همواره عطشناک است تا باران را ببلعد و گیاهانش سر از خاک بردارند. افسوس و صد افسوس که دشمنان قسم خورده پیامبر و اهل بیت اجازه ندادند که امت اسلام از چشمه ی کوثر حضرت زهرا (س) بنوشد تا جانها از سرزمینی خشک به سرسبزی و طراوت بدل شود و باز افسوس که وجود گهربار و گران قدر ایشان را فقط پدر بزرگوارشان و همسر گرامی شان شناختند و سعی زیادی نمودند تا شاید از مقام بی نظیر حضرت زهرا (س) همه باخبر شده و بهره مند شوند و برکات پروردگار عالم آنگاه که آفرینش در حجاب بود و راز جانها در ملکوتشان مستور، ندای «جاء الحق و زهق الباطل» برخاست و زیبایی حق نمایان گشت و زمزمه عشق آغاز گردید و باطل به فغان آمد و ابراز کرد:

ای خالق هستی بر آنچه آفریدی و مرا در دانستنش به اطاعت واداشتی و فرمودی بر عظمت خلقت سجده کنم و من سرپیچی کردم، آنگاه از حق مأیوس شدم و به باطل دل بستم تا مخلوقات را به دنبال خویش کشم. در این عجز و ناتوانی به فغان آمدم و

در سیمای حق نگریستم و به یقین اعلام کردم، حق پیروز است و باطل مانند کفی که جز راه نابودی راه دیگری را نمی‌پیماید.

پس باید حق را در فرزند رشید فاطمه (س) جستجو کرد و دید و به آن ایمان داشت و به دستوراتش عمل کرد تا زمین از ظلمت و تاریکی نجات پیدا کرده و منور به نور ایمان و حق و توحید که در وجود مولا و سرورمان است به‌وسیله‌ی ایشان خود را نجات دهیم و برای آن هر لحظه فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۰ دی ۱۴۰۲

خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)

حمد و ستایش خداوند عزوجل را سزااست که جهان را با علم ابدی و ازلی‌اش بیافرید و در آفرینش آن از هیچ موجودی مدد نخواست بلکه امر فرمود تا آفریدگان از او مدد و یاری طلب کنند تا آنان را به واسطه‌ی مأموران آسمانی و زمینی مدد فرماید.

الحمد لله، پروردگار کریم و رحیم را سپاس که به بندگان‌ش توفیق طاعت ارزانی فرمود و خیر و نیکی را در عبادت خویش برای آنان منظور داشت که با توسل جستن به آن خود را از باطل‌های درونی و بیرونی نجات بخشیده به آغوش پرمهر و بنده نوازش بازگردند که خداوند رحمان خود فرمود: تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند از فضل خود پاداش دهد زیرا کافران را دوست ندارد.

شکر و سپاس بی‌کران بر خداوند عزوجل که با رحمت و اسعه‌ی خود ایامی را فضیلت بخشید که یکی از این ایام، ماه رجب است که ما اکنون وارد اولین روز این ماه بزرگ و با کرامت می‌شویم. پس درود و سلام خداوند بر حضرت محمد (ص) که خاتم پیامبران است و تمام کننده‌ی رسولان و خاندان او همگی از پاکان هستند و سلام و تحیت پروردگار کریم بر بندگانِ باد که به وعده‌های الهی چونان دم و بازدم خویش عمل می‌کنند و آنگاه که دمی را فرو برند جان‌شان در اقیانوس محبت خالقشان فرو می‌رود تا جان‌شان چه اراده‌ای کند، آیا دمشان را برآورد؟ و یا در سینه محبوس کند؟

پس برکات پروردگار عالم در آغازی منور است آنگاه که امر می‌فرماید کجایند پرچم‌داران حق، همانانی که در کام خویش بر پروردگارشان سبقت نمی‌گرفتند و زبان در کام جان می‌نهادند تا جان‌شان طعم بندگی را بچشد و ذائقه نهانشان به دنبالش به حرکت درآید، آنگاه ندایی را با جان‌شان درآمیزد و این‌گونه سخن آغاز کند:

ای فرمان‌بران، بر گوشت و پوست و استخوان و هر آنچه که به اراده خویش آفریدم، امر فرمودم که مرا بپرستید و آنان سر اطاعت بر فرمانم نهادند. سپس عقل را بر

فرماندهی برگزیدم، او اراده‌ی جان‌ها را در احاطه‌ی خویش گرفت و خطاب به پروردگارش عرصه داشت:

ای خالقم، قدرتم را از روحی منور گرفتم و بر تخت جان‌ها نشستم، بسیاری را زنده یافتم و امر کردم که از خالقشان اطاعت کنند و بسیاری را همانند چهارپایانی که نیازی به من نداشتند، پس به فرمان خویش عمل کردند و جانشان از نعمت من تهی گشت. اینک بر دامن کبریای ات چنگ زده‌ام تا جهان را به پرتوام بیفروزی و انوارم را به همگان بنمایانی و درجه‌ام را آشکار سازی و مرا سپاسگزار لحظه‌ای که ندایی طنین‌انداز می‌شود که نام مرا می‌خواند و عقل کل آشکار می‌گردد.

این شب مبارک مزین به میلاد امام محمد بن علی، ملقب به باقرالعلوم (ع) است. ایشان در اول رجب سال ۵۷ هجری در مدینه متولد شدند. پدر گرامی‌شان حضرت امام سجاد (ع) و مادرشان فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) بودند. عمر مبارکشان ۵۷ سال و امامتشان نزدیک به ۲۰ سال بود. زندگی ایشان نمونه‌ای والا از حیات ربانی بود و پرتو این حیات طریق سالکان حق را تا به امروز روشنی بخشیده است. از همان روزهای آغازین حیاتشان خطوط امامت در سیمایشان آشکار بود. در زمان ایشان جامعه اسلامی که دامنه‌ی آن بسیار گسترش یافته و ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را در برگرفته بود، به فرهنگ و معارف قرآنی بیش از پیش نیاز داشت. در نتیجه این مهم را امام محمد باقر (ع) به عهده گرفت و در این راه کوشش و تلاش بی‌وقفه‌ای نمودند که آثارش تا این زمان باقی است.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس فرزند گهربار امام محمد باقر (ع)، سرور و مولایمان، امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) به تمنا به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم: مولای ما شما عقل کل و وارث همه علوم از الست تا قیامت هستید، با این وجود با صبر و حوصله‌ی زیبا با امتتان مدارا می‌کنید و در اندیشه‌ی هدایت و ارشاد آنان هستید. ما ساکنان کوی مقدستان را به فراوانی از لطف و احسان خود بهره‌مند فرمودید، سپاسمان را بپذیرید تا مشتاقانه فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)

۲۳ دی ۱۴۰۲

بار خدایا حمد و ثنا درخور عظمت و بی‌نیازی توست که صاحب همه‌ی نعمت‌ها و رحمت‌هایی که آفریدی و روزی دادی، بخشیدی و مهربانی کردی، بدی و خوبی را الهام نمودی، عطا کردی و افزودی پس هر که به غیر تو امید بست ناامید شد و هر که از غیر تو عزت جست خوار گشت. نیست معبودی جز ذات اقدس.

بار الها ماهی را آغاز نمودم که مقدمه‌ای است بر ماه پیامبرت، افضل اوصیاء، حضرت محمد (ص) و ماهت ماه رمضان، پس به من توفیق عبادت و صبر شکرگزارانت، عمل دوستدارانت و یقین عابدانت را عطا کن و یاریم کن عملی را انجام دهم که خیر و ثواب و نجات دنیا و آخرت در آن باشد.

سلام و صلوات بر رسول اکرم، واسطه‌ی خیر و برکت، حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش و سلام بر دوران‌ها و بر امانت جانشان؛ همان‌هایی که آمدند تا نقش را معنا کنند؛ نقش استوار بندگی، پس پرده‌ی جانشان را گشودند تا همگان در آینه‌ی روحشان نمادی از خلقت را شاهد باشند آنگاه دست توانمندشان را گیرنده‌ی دست‌هایی نمودند که نشانی‌شان را پروردگار در کتاب آسمانی قرآن کریم اعلام فرموده همانانی که نقش روحشان نقشی استوار است نقشی که سازنده‌ی جان خلیفه است.

پس شکر پروردگار کبریایی و قدرتمند و آفریننده که خود فرمود: بزرگوار است خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر هر چیزی تواناست، خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام یک نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده‌ی گناهان بندگان است بندگان که همواره حیاتشان را با انوار پروردگارشان جاودانه می‌سازند و دست محبتشان را بر جان‌هایی می‌گشایند که مودت را جز به عمل نمی‌آریند.

پس به فرموده‌ی سرور عالمیان، حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) شرط مودت عمل به دستورات خداوند در قرآن کریم است که در آن صورت است که دست‌های

قدرتمند اهل بیت به یاری بندگان خواهد آمد و نجات و سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد، در غیر این صورت نه تنها مودتی پذیرفته نیست بلکه توحید نیز پذیرفته نخواهد شد پس باید فریاد کرد وای بر احوال دشمنان اهل بیت که چه سیه روز و بدفرجام هستند.

ما در این روز به سوگ یکی از اختران آسمان امامت در این کوی عشق نشسته ایم که آن شهادت دهمین اختر امامت و ولایت، هدایت کننده، صابر و عادل، عالم و هادی، حضرت امام علی نقی است. فرصت را غنیمت داشته گوشه ای از زندگانی پر برکت ایشان را بازگو می کنیم.

نام آن بزرگوار علی و لقب های مشهورشان نقی و هادی است. عمر شریف ایشان چهل سال بود. در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲ متولد و در سوم رجب سال ۲۵۴ به دست معتز عباسی لعنت الله مسموم و به شهادت رسیدند. مدت امامت ایشان سی و سه سال است. هفت ساله بودند که حضرت امام جواد (ع) پدر گرامی شان شهید شدند و امامت به ایشان منتقل گردید. سیزده سال در مدینه به سر بردند و متوکل عباسی که امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه او را شقی ترین خلفای عباسی به شمار آورده، ایشان را جبراً به بغداد آورد. در مدت بیست سالی که وجود مبارکشان در بغداد بودند متوکل لعنت الله هم ایشان را به زندان می انداخت و هم در زمانی که امام در خارج از زندان بودند نیز به آزار و اذیت ایشان می پرداخت.

حال ضمن تسلیت به ساحت مقدس فرزند گرامی امام هادی، امام و مولایمان ابی صالح المهدی (عج) مزین می کنیم این خطبه را به فرازهایی از زیارت جامعه ی کبیره که از زبان مبارک امام هادی (ع) است که سرشار از نکته های پرمغز و ادب حضور و معرفی جامع و کامل اهل بیت می باشد که در فرازی در شناخت اهل بیت آمده است که:

شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، خداوند کریم شما را عزت داد به هدایت، برگزید به خلافت، امین داشت به سر و حکمت و قرارداد شما را پایه های توحید، پاک کرد از بدی ها و شما دعوت کردید مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با مال و جان و فرزند در راه خدا پس مولا و

سروران من، به راستی که گناهانم پاک نشود مگر به شفاعت شما چون خداوند کریم شما را مأمور هدایت و نجات ما قرارداد پس یاری‌مان کنید تا از آلودگی‌ها پاک شده و رستگار شویم.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۳۰ دی ۱۴۰۲

بار خدایا، ای صاحب نعمت‌های بزرگ و رحمت‌های عطا شده‌ی فراوان و خالق خورشید و ماه و ستارگان، وصف نشوی چون ماندنی نداری؛ نزدیک‌تر از رگ گردنی و دورتر از هفت آسمان، یکتایی در سلطنت، یگانه‌ای در بزرگی و جبروت و فقط تو سزاوار پرستشی چون عشق را آفریدی و در وجودها به ودیعه نهادی و لذت ابرازش را در سلام قرار دادی همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: سلام نامی است که پروردگار عالم، جان عالم را با چراغ عزتش از سکوت به لطفی که به همراه خود رمزی را آشکار کند که کلیدش بیان عشقی استوار است آنگاه که می‌فرماید: نیکان از جام‌هایی می‌نوشند که آمیخته به کافور است، چشمه‌ایی که بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به هر جای که خواهند روان می‌سازند؛ پیوندهایی مبارک که سرچشمه‌ی آن از دل اولین مخلوق پروردگار جوشید و او درحالی که طعم بندگی را در چشمه می‌چشید بر این پیوند مبارک درود فرستاد، همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) فرمودند: این عشق در اولین دم و بازدم و نگاه حضرت آدم، در وجودش چشمه‌ای آمیخته به طعم بندگی جوشید تا فرزندانش از آن بنوشند و مستی‌اش را در دنیا و برزخ و قیامت با خود همراه کنند ولی افسوس، وای بر جان‌هایی که از خلقت خویش می‌گریزند تا حقیقت جانشان را در پرده‌ی ابهام افکارشان مخفی کنند. سود این جان‌ها ذخیره‌ای ندارد تا بدان خشنود شوند؛ با خود و آفرینششان بیگانه هستند، آنچه را می‌شناسند اقیانوسی پر تلاطم است که روز و شبش در احاطه‌ی امواج مرگباری است که جانشان را به خود می‌خواند تا در ورطه‌اش جز نابودی را نشناسد.

اینک ای مهمانان کوی عشق که بر سرچشمه‌ی گوارای رجب نشسته‌اید، جام جانتان را با عبادت و اطاعت از این چشمه سیراب کنید تا لذت بندگی آمیخته به عشق را تجربه کنید، پس از مناجات رجبیه مدد می‌گیریم: بار خدایا من تو را می‌خوانم به مناجات اولیائت که امین سرت؛ مرزده دهنده‌ی امرت، معدن کلمات، ارکان توحیدت،

گواهان و دافعان و حافظان دینت هستند و به وسیله‌ی آنان پر کردی آسمانت و زمینت را تا پدیدار شد نعمت و رحمت. پیامرز از ما آنچه را که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم و ما را و ما مگذار به دیگری و اصلاح کن درون و امور ما را و به سلامتی در ایمان و عبادت و وارد کن به ماه روزه، به حق مولود این روز و این ماه رجب، نهمین خورشید امامت، شجاع در علم و دیانت و کمال، اباجعفر ثانی محمد بن علی حضرت امام جواد الائمه (ع) که همچون پدران و فرزندان بزرگوارش در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی همت والا داشته و هر زمانه‌ای که حاکمان با جسارت بر علیه سنت و اهل‌بیت پیامبر دشمنی می‌کردند ایشان با عقل و درایت در راه هدایت مردم کوشا بودند. گرچه عمر امام جواد کوتاه بود و غالباً در تبعید گذشت ولی باید گفت عمری با برکت بود به‌طوری‌که در تاریخ آمده در آن زمان عده‌ای از بزرگان و علما از شهرهای مختلف به مدینه رفتند و سی هزار مسئله را در چند روز از حضرت سؤال کردند و امام بدون درنگ جواب تمامی سؤالات را دادند. ایشان می‌فرمایند که: زندگی و مرگ همچون ساییدن دو دست به هم نزدیک است پس همواره مراقب ایمان و اعمال خود باشید.

ما در این شب مبارک ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند کریم و درود و صلوات بی‌شمار و بی‌پایان بر خاتم رسولان و تاج پیامبران حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاک و طاهرینش که همگی ستارگان هدایت و پیشوایان دین و وارثان رسالت بودند و نور و تقوایشان هدایت‌کننده‌ی مؤمنان و کور‌کننده‌ی منافقان و دشمنان بود و در این راه با جان و مال و فرزند مجاهدت فرمودند و سران و مردمان فریب خورده و ظالم و دنیا پرست که اسیر نفس و شیطان بودند ایشان را مانع اعمال و افکار شیطانی خود می‌دیدند در نتیجه به آزار و دشمنی با آنان پرداختند که هنوز نیز در عصر حاضر این کینه و عداوت ادامه دارد و چه زیبا امیر مؤمنان علی (ع) وصف حال آنان را ذکر کردند که فرمودند: ای مردم، الحذر الحذر از اطاعت از سران و بزرگان غیر صالح و سرانی که نسبت به مرتبه‌ی خود مغرورند و بیش از آنچه بی‌ارزند بر خود قیمت می‌گذارند و از افراد پست که خود را به دروغ دارای حسب و نسب معرفی می‌کنند پیروی نکنید و آب صاف خود را با آب لجن آلود آن‌ها مخلوط نکنید تا اینکه

سلامتی شما با بیماری آنها مخلوط نشود. آنها طرفدار باطل هستند، باطلِ آنان را وارد حق خود نکنید. آنان برای شیطان بار می‌برند و مترجمان شیطان هستند تا با زبانی که ابلیس می‌خواهد با مردم سخن بگویند و شیطان به وسیله‌ی آنها عقل شما را می‌دزدد و وارد چشم‌های شما می‌شود و در گوش‌های شما وسوسه‌ی خود را فرو می‌خواند و شما هدف تیر شیطان می‌شوید و جای پای او و دستگیره‌ی دست او را تشکیل می‌دهید.

حال که شادی‌مان در این شب مصادف است با مبارکی و خیر و برکت قدوم مولودی تازه شکفته از گل گلستان نبوت، مجاهد شش ماهه‌ی کربلا که ره شصت ساله را پیمود و حماسه‌ای از عشق به معبود و امامت را در تاریخ به نام زیبای خود ثبت نمود و رسم و آیین اطاعت و یاری امام عصر خود را با تنها داشته‌ی خود، یعنی با خون گلوی‌ش نوشت و امضا کرد. ما ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به میمنت قدوم مولود امشب به ساحت مقدسشان عرضه می‌داریم:

مولا و امام و سرور، ما حقیقت جویان، مهمان کوی مقدس و محمود شما، به دنبال آتش لطف الهی در بیابان انتظار نشسته‌ایم تا شما منجی جا‌مان، ما را از سرمای جهل نجات بخشید تا انتظارمان تبدیل به لطف و مرحمت پروردگار عالم شود و به تمنا دست دعا بر می‌داریم:

ای پروردگار، جانم را بر سر سفره‌ی احسانِ حقیقت جویانِ کویت پیوند زده‌ام، این پیوند را با جریان خونِ اندام‌هایم به ثمر برسان و از شر شیطان نفس در امانم بدار تا با جانی سوخته فریاد کنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

۳ بهمن ۱۴۰۲

ستایش از آن خدایی است که هیچ‌کس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و غیر آن ذات یکتا هیچ خدایی نیست و مثل و ماندی ندارد. هر لحظه بر همه‌ی آفرینش بصیر و آگاه است و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل دارد. خدای من به یکتایی‌ات گواه و به ربوبیتت معترفم همان‌گونه‌ای که در اول نابود بودم به من نعمت وجود بخشیدی، ای خدای من به لقای تو اشتیاق دارم و می‌دانم به حال هر کس که به درگاهت تضرع و زاری کند ترحم می‌فرمایی. من به پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و وصی و ولی او امیر المومنین علی (ع) ایمان دارم که وجودشان برکت و نعمت از جانب تو بر بشریت بود و رستگاری و نجات را در گرو اطاعت از آنان قرار دادی.

در این روز مبارک و وجود مطهر و گران‌قدر امیر مؤمنان علی (ع) را در بهترین جایگاه کعبه‌ی مکرمه به بشریت عطا فرمودی و ما را به واسطه‌ی پیروی از ایشان شرف و عزت بخشیدی. در این روز به شکرگزاری و شادمانی در خانه وصی ایشان فرزند گهربارشان امام زمان (عج) حضور پیدا کرده به وجود مقدس مولایمان فرزند امیر مؤمنان ابراز می‌داریم:

مولا جان، ما اگرچه از وجود مطهر ایشان محروم هستیم ولی سعادت داریم که شما را که همه نشان‌های پدر بزرگوارتان را دارید در کنار شما نفس می‌کشیم. در این روز باشکوه دست بیعتمان را با دستان علی‌وارتان بپذیرید که مقام و برکت امامت به مقتضای هر زمان عمل کرده طبق نیاز مردم و امت مسلمان نسبت به هدایت و ارشاد آنان همت گماشتند. چه زیبا آن را امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند که:

خدای رحمان مخلوقات خود را در دنیا سکونت داد و رسولان را فرستاد تا اینکه از مقابل دیدگان آنها حجاب‌هایی بر دارد و آنها را از صدمات دنیا بر حذر نمایند و حلال و حرام را به آنها بفهمانند و به آنها بگویند که اگر اطاعت کنند به بهشت می

روند و اگر عصیان ورزند دچار دوزخ خواهند شد و به بندگان فهماندند که در زندگی آن‌ها ممکن است بزرگی و خواری برای آزمایش به وجود بیاید خدا را آن‌چنان‌که از مخلوقات خود خواست که او را سپاس‌گزارند سپاس می‌گذارم و او برای هر چیز اندازه‌ای تعیین نمود و بنا بر مشیت او هراندازه دارای مدتی است و هر مدت بر طبق نوشته معلوم است.

اینک سیزده رجب است. چه طلوع با شکوهی را خبر می‌دهد. ذوالفقار به دیدنش می‌شتابد، خود را معرفی می‌کند، من همان تیغ بُرنده‌ای هستم که گلوی باطل را می‌درد تا عبد را معنا کند، پس پیشانی عبد می‌شکند، خون پاکش بر چهره‌ی مبارکش جاری می‌شود، ولی آرام نمی‌گیرد. چه سر پرشوری؛ تا قیامت شور هدایتش مردمان دهر را به خود می‌خواند. شیعه به وجود مبارکش افتخار می‌کند. او را به مدد جراحتهایی می‌خواند که جانش را مانند ریسمانی در خود پیچیده است. امروز ذوالفقار به ما می‌نگرد. برق تیغش در جان‌هایی اثرگذار است که توانسته باشند همراه امامت گردن باطل را آن‌چنان از تن جدا کنند که اثرش بشود شور عاشوراییان؛ شوری که به زمان محرم ختم نمی‌شود بلکه حرارتش را به جانش می‌خوراند تا با زبان دل با این ساعات پرشور درد دل کند، ساعاتی که به عاشورا نظر می‌کند و به زبانی که او را به محفل حق دعوت کرده تا شنوای حقیقت جانش شود.

اگر توانستید به واقع مهمانش باشید، پس امروز شیرینی نام علی بن ابی‌طالب (س) را در کامتان حس می‌کنید. مهربانی‌اش را در آغوش گرمش که همواره برای اسلام گشوده بود را با خود همراه کنید تا توان درک حق در جانتان مانند شرابی عمل کند که قرآن کریم به آن اشاره فرموده: که جان شما همواره دارای دو شراب مست کننده است، یا از عشقش مست می‌شوید و یا از شرش. اگر از شرش مست شوید، فرق حق را می‌شکافید، آنگاه به دست حق قصاص می‌شوید.

آنچه در صفحه‌ی امروز نقش می‌بندد بیعت با حق است. بشتابید، فرصت عمرتان مانند عقربه‌ی ساعت به اتمامش نزدیک می‌شود، پیمانه‌ی جانتان را پر کنید تا صدای

عاشوراییان را که همواره حقیقت خلقت را در آئینه‌ی هدایت امامشان دیدند و با او ماندند نه با دنیایی که اثری از باطل را باقی نخواهد گذاشت.

اینک همگی به کعبه‌ی مکرمه نظر می‌کنیم تا از معمای جانی برآیمان صحبت کند که در درون جانش جای داده است، برای گشودن این رمز زیبا مُعلمش را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

۵ بهمن ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

خطبه‌ی این روز بزرگ را با فرازهایی از دعای پر برکت ام داوود آغاز می‌کنیم:

راست فرمود خداوند جلیل و جمیل و حمید و مجید که نیست معبودی جز او و اوست زنده و پایدار، بخشنده و بردبار، گرامی و بی‌شریک. بار خدایا حمد و ستایش تو راست؛ بزرگواری و عزت و شکوه تو را سزاوار است؛ فرمانروایی آنچه در زمین و آسمان‌هاست از آن توست.

خدایا درود فرست بر ملائک و مقربین، بر انبیاء و مرسلین و حضرت محمد (ص) خاتم نبیین، بر خاندانش، درودی بی‌شمار و بی‌پایان مخصوص گردان بر آنان بر جانشینانشان و شهادایشان بر هدایت کنندگان و عبادت کنندگان، مؤمنین و پاکان و پاکیزگان.

بار خدایا ای معبود من و آقای من، بر خواری و فقیری و بی‌نوایی‌ام دل بسوزان؛ منم دل‌شکسته و هراسان، بیچاره و بی‌پناه، دل‌سوخته و اندوهگین که به درگاه با جود و سخا و با کرامت چشم دوخته و پناهنده شده. از تو درخواست می‌کنم به احترام این ماه حرام و مسجدالحرام و رکن و مقام که بازکنی درهای احسانت را، بیامرزی گناهانم را، برطرف کنی سختی و مشکلاتم را، گوارا و شیرین کنی بر من عبادتم را، دور کنی از من فتنه‌ی زمانه و دشمنانم را، خوار کنی ستمگران و حيله‌ی کافران را، جدایی نیندازی میان من و فرمان‌برداری کردنت را.

بار الها زمان و مکانِ اجابت دعاهايم را نزديک و آسان گردان برآورده شدنشان را.

آمین

سلام بر آتشی آنگاه که فروزان شد، از درونش ندای عشق به ملکوتِ عالمِ زبانه کشید و پاسخی آمد و فرمود: ای عبد من، به آغوشم بنگر و به راهی که تو را بر فرازِ محبتم

بر آن جاده‌ی نور، هدایت خواهم نمود تا گوشت و پوستِ جانِ مادیات به فغان آید و معترف شود که ای وای بر شعله‌ی فروزانی که جانم را در محبتش آن‌چنان سوزاند که به فغان آمدم که ای پروردگارم به ستمی که بر خود کردم ترحم کن تا بار دیگر در پیشگاهت به آنچه به من ارزانی فرموده بودی بایستم تا فرشتگانت مرا در تاج خلیفگی‌ام ببینند و آنگاه گواهی دهند که با علمِ این عشق، بیگانه هستند و درک آنچه در مقابلشان است را ندارند و من درحالی‌که جان شیفته‌ام را در قالبِ بندگی‌ات متلاشی نموده‌ام به تمنا بگویم به من بنگرید که من ذره‌ای هستم که به محبتِ خالقم محتاجم.

بله، حضرت آدم (ع) با فرزندانش، آنانی که عشق و بندگی را در قالب خلیفگی، در دنیا به نمایش گذاشتند و از این عشق، هر لحظه سوختند و از هجران، ناله‌ها سر دادند و برای رهایی از زندانِ دنیا لحظه شماری کردند و برای رسیدن به قرب الهی، جان و مال و فرزند را فدا کرده و سخت‌ترین مصیبت‌ها و دشواری‌ها را همچون کوهی استوار تحمل کردند. در قیامت همه‌ی ملائک و جنیان را با اشتیاق، به سجده در می‌آورند؛ از جمله‌ی این خلیفگان، حضرت زینب کبری (س) هستند که قلب مهربانشان، اقیانوسِ مهر را به برهوت تبدیل می‌کرد، عشقشان در بندگی، آتش‌فشان‌ها را به خاموشی مبدل می‌کرد و همین عشق بود که بر همه‌ی عواطف خواهری و مادری پیروز شد و آن‌همه مصیبت و غم و اندوه را همچون کوهی مرتفع و سربلند تحمل نمود.

چگونه می‌شود درباره‌ی حضرت زینب (س) سخن گفت؟ کلماتی نیست تا او را توصیف کند و عقل و باوری نیست تا او را درک کند. حقاً که دختریِ امیر مؤمنان و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) شایسته و برازنده‌ی اوست و بس؛ کسی که برادران و برادرزادگان و فرزندان و همه‌ی بنی‌هاشم از مهر و عطوفت او سیراب می‌شدند و او را برای خود عزیزتر از مادر می‌دانستند.

باید باور کرد و یقین داشت که قلب حضرت زینب (س) از عجایب خلقت است؛ درحالی‌که به لطافت گلبرگ گل بود، برای رضایتِ الهی چنان محکم می‌شد که فولاد را

شرمنده می‌کرد. باید حضرت زینب (س) را شناخت و به او عشق ورزید همان‌گونه که مادر گرامی‌شان فرمود: عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت پس حقیقت خلقت او رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود است.

حضرت زینب کبری (س) که تربیت یافته در مکتب امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) هستند پس از نهضت عاشورا با مردم مدینه در مورد حال خود چنین سخن گفتند که:

«ای مردم مدینه، تربیت فرزندان در خاندان نبوت، ریشه از اصل آفرینش دارد و همراه شدن من و فرزندانم و برادرم و برادرزاده‌هایم در سفری که در آن با کفر و زشتی مبارزه کردیم و توانستیم تا لحظاتی را برای خودمان جاودانه کنیم که حرارت حق را در وجودمان احساس کنیم و شمشیر را بر فرق باطل بکوبیم. من هنگامی که سر خونین پدرم امیر مؤمنان را در آغوش گرفتم چشمان خود را گشود و فرمود: زینب جان، تو را برای تحمل مصائبی تربیت کردم که تحملش برای عموم مردم سخت است پس منتظرم تا دست پرورده‌ی خویش را در جامه‌ی عزت ببینم.

پیشانی پدر را بوسیدم و خود را آماده‌ی پذیرش مسئولیت‌های بزرگی کردم، آنچه داشتم را در اطاعت الهی قرار دادم و در کنار برادرانم آشیانه‌ی وحی الهی را به محل مبارزه با شیطان‌های نفس مبذل کردم و عمرم را در آنچه به من سپرده شده بود سپری کردم و در حماسه‌ی عاشورا دیدم از ناباوری‌های رسالت جدم و دلم زخم خورد بیشتر از زخمی که شهدا برداشتند، زخم آنان با استقبال جدم رسول خدا التیام یافت ولی زخم‌های من را کسی مرهمی نگذاشت».

حال در این روز بزرگ ما نیز به دامن بانو و سرورِ عالم امکان حضرت زینب (س) چنگ می‌زنیم و با ناله‌ای که زمان، شاهد آن است تمنا می‌کنیم که: ای ریشه‌ی نبوت، شما را پرچمدار کاروانی می‌بینیم که مصیبتش، جهل جاهلان بود. ای دخت امیر مؤمنان، تنهایی و غربتمان، رمقمان را برده؛ ای دخت پیامبر (ص)، شما شاهدِ زمان ما هستید پس به فریاد امت جدتان برسید که امامشان را دوست دارند و یادش را فراموش می‌کنند، اگر کیسه‌ی زری بیابند شمشیر را به طرفش نشانه می‌روند و مانند

نمرود، تیر را به آسمانِ جهلشان می‌اندازند تا خورشید را هدف قرار دهند غافل از اینکه خود را خاموش می‌کنند چون مولا و سرورمان صاحب عصر و زمان با وعده‌ی خدا، جاء الحق و زهق الباطل هستند اگرچه باطلان را خوش نیاید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به حرمت بانوی مکرم، حضرت زینب (س) ما را حق‌بین و حق‌مدار و حق‌گو، قرار بده.

بار الها ما را در جهاد با نفس، پیروز کن و صبر و استواری حضرت زینب (س) را الگوی ما قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) که آرزوی همه‌ی حق‌مداران مخصوصاً عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب (س) بود تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵ بهمن ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

خداوندی را می‌ستاییم که زمین و آسمان را در شش روز بیافرید و سپس بر عرش پرداخت. حکم‌فرمایی‌اش بر همه‌ی هستی در لحظه، لحظه و ذره، ذره مستولی است. ستارگان و کهکشان‌ها و برگ درختان و سلول‌ها همه و همه در ید قدرت بیکران اوست پس خدا را حمد و سپاس می‌کنیم به واسطه‌ی آفرینش هستی و نظارت و تسلط همه‌جانبه‌ی آن پس باید که آدمی چشمی بینا و دلی روشن داشته، آن را درک کرده، او را در هر صبح و شام به بزرگی و عظمت بستاید. شکر پروردگار کبریایی، قدرمند و آفریننده که خود فرمود: بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر هر چیزی تواناست. خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام یک نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده‌ی گناهان بندگان است. بندگان که همواره حیاتشان را با انوار پروردگارشان جاودانه می‌سازند و دست محبتشان را بر جان‌هایی می‌کشایند که مودت را جز به عمل نمی‌آرایند و همواره از پیامبر و اهل‌بیتش یاری می‌جویند.

سلام و درودی بیکران بر حضرت محمد (ص) که قرآن کریم، گنجینه‌ی الهی را در دستان توانمندش بر خاکیان از عرش افتاده عرضه نمود. ای به زیر افتادگان از نعمت‌های بی‌شمار پروردگار، شما را مژده باد تا بار دیگر در سایه‌ی عزت پروردگار راه خویش را بر کرسی آسمان‌ها بیابید و بر سال‌های غربت نهیب وصلی مبارک را مژده دهید. افسوس که جان آدمیان به ذلت زمین خو گرفت. افسوس شیطان در جان‌شان همانند ریسمانی محکم بر دست و پایشان بسته شد. قدر انفاق پیامبر و اهل‌بیتش را نه تنها نشناختند بلکه به دشمنی با آن‌ها برخاستند که در این شب به سوگ شهادت یکی از این گوهران الهی در این خانه‌ی مقدس حضور داریم. ایشان امام هدایت، صاحب علم و دیانت و تقوا، خزانه‌دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین، عابد و زاهد، مولایمان امام موسی بن جعفر (ع) که رحمت خدا و برکاتش بر او و بر پدران و فرزندان گرامی‌اش باد.

امام موسی کاظم (ع) سال‌ها سخت‌ترین شرایط زندان را تحمل کرده تا حق پایدار بماند و باطل رسوا شود و راه و رسم حق مداری و حق جویی را امت مسلمان مخصوصاً شیعه بیاموزد که تا چه اندازه باید در مقابل ظلم و ظالم و فساد و نفاق ایستادگی کرد و از آرمان‌های اسلام و شیعه دفاع کرد و فداکاری نمود و ثابت کرد عزت و مقام والای امامت را نه زندان هارون، نه کاخ مأمون، نه پرده‌ی غیبت می‌تواند کم‌رنگ کند. امامت همیشه برای یاری و هدایت با انسان‌ها همراه بوده و هست فقط آدرسش فرق کرده. زمانی در تبعید، زمانی در زندان و کاخ و زمانی در غیبت و این ماییم که آدرسش را با وجود اینکه قرآن کریم به آن اشاره دارد گم می‌کنیم. آدرسش همان است که در داستان حضرت یوسف (ع) در تعبیر خواب آن دو زندانی به آن اشاره شد که روزی‌ات را که همان ایمان و تقوا و بهره‌مند شدن از وجود با برکت امامت است را محکم نگه‌دار تا نامحرمان و فاسدان باورهای آن را از تو نگیرند و شیرهی جانت را که همان معرفت و ایمان و ارادت و توسل به وجود امامت است را به ظالمان نده که گم‌گشته و پریشان خواهی شد.

بفرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه‌ی (س) امامت، انسان‌ها را از کرامت عطایی پروردگار که در گنجینه‌ی جان‌ها به امانت گذاشته شده آگاه نموده و در رسیدن به آن مرتبه یاری می‌کنند و دوران‌ها شاهد این هدایت هستند. در پذیرش و برخورد انسان‌ها با این نعمت الهی پروردگار اطاعت گران‌ش را به وعده‌ی شیرینی مژده داده و آشکار شدن این نعمت آن زمان است که دولت حق‌هی پروردگار عالم بر عرصه‌ی زمین حکومت کند، حقیقتی از پشت پرده‌ی غیب الهی آشکار گردد که حق‌طلبان را بر ضیافتی آسمانی مهمان کند. در آن ضیافت نقاب دنیایی از چهره‌ی فرزندان رسول الهی کنار زده شود و همگان پشت آن نقاب را ببینند و از پروردگار تقاضا کنند که مردمک چشمانشان از حرکت بایستد تا هرگز جز به آن نعمت به نعمت دیگری نظر نکنند.

مشخصات مردمانی که سعادت دارند در آن دولت زندگی کنند مبتنی بر دو اصل است. اولین مشخصه‌ی آن را از این‌های دعای ندبه می‌توان دریافت که در آن دولت

جایی برای زورگویان، سرکشان، گردن کشان، گستاخان، گمراهان، بی‌دینان و ستمگران نیست و ستم، تجاوز، کج روی، شرک، دورویی، هوی و هوس، دروغ و بهتان در آن اثری نیست. در عوض، حدود قرآن و سنت پیامبر جاریست. تقوا و پاکی و ایمان در دل‌ها و عمل‌ها جا گرفته و بر آن استوار است.

دومین الگو یاران اباعبدالله (ع) در صحرای کربلا هستند. آنانی که ماندند.

همه‌ی این موارد به رهبری امام عصر به سامان می‌رسد ولی ما هم می‌توانیم زندگی خود و تربیت فرزندانمان را در حال حاضر به آن نزدیک کنیم. مخصوصاً ما عاشقان و منتظران کوی مقدسشان که از عنایت خاصه‌ی ایشان برخورداریم. و در این راستا از وجود مقدسشان مدد بگیریم و برای برآورده شدنش فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س) ۲۰ بهمن ۱۴۰۲

سلام بر صبحی منور، آغاز پیامبری آخرین برگزیده‌ی الهی، طلوعی که به ظلمت جان‌های در بند پایان داد تا قلب‌ها در سینه‌ی زمان بتپد و به همگان اعلام دارد آنکه امروز از کوه سرازیر می‌شود معجزه‌ای را به همراه می‌برد که عقل‌ها از اندیشیدن در عظمتش درمانده است. جان چون گوهرش در نسیم طلوع امروز رسالتی را به دوش می‌کشد که هیچ یک از پیامبران الهی آن را تجربه نکرده است. به طرف کعبه‌ی مکرمه می‌رود، به حجرالاسود می‌نگرد. چگونه با انسان‌هایی سخن بگوید که مرز عقل را ویران کرده‌اند و هیچ دلیل و برهانی بر ویرانی جان ذلیلشان ندارند مانند چهارپایان می‌خورند و می‌آشامند ولی آثاری از بندگی در جان ذلیلشان دیده نمی‌شود. قلب‌های سنگی‌شان با ندای حق بیدار نمی‌شود.

بار سنگین هدایت بر شانه‌های آخرین پیامبر الهی به مانند درختی تنومند در زمان‌ها و دوران‌ها به بار می‌نشیند. قرآن در قلب‌ها متولد می‌شود. فرمان پروردگار در جان‌ها به جریان می‌افتد. جهل با انوار قرآن کریم از میان می‌رود. حمد پروردگار بر زبان‌ها جاری می‌شود. بت‌های سنگی در ظاهر و باطن جان‌ها جای خود را بر حقیقت خلقتی می‌دهد که هم اکنون سال‌ها از طلوع فجرش می‌گذرد. امتش نام با عظمتش را می‌خواند:

یا رسول الله بر ما که منتظران آمدن دولت حقه هستیم نظر فرما تا حق و باطل در پوسته‌ی واقعی خویش فرو رود، باطل‌ها افسانه‌ی دهر شوند و حق‌ها به دنبال حقیقت جانشان به حرکت درآیند تا خون بسته‌ی جانشان در خلیفه‌ای بدرخشد که پروردگار فرمود: او جانشین من است در زمین. زمینی که با بذر حق به بار می‌نشیند تا صاحب همان رویدنی‌هایی شود که قرآن کریم می‌فرماید: بذر جانی که با اطاعت از رسول الهی به هزاران نعمت آشکار و پنهان مزین می‌شود و امروز آغاز این فرمان الهی است. معمای ساعت‌هایی که در زمان چنان گوهری می‌درخشد تا جاودانگی

فرمانی را به همگان بنمایاند که امروز آغاز این حرکت عظیم است. روزی که خورشیدش ظلمت کفر را به ایمانی استوار تبدیل می‌کند. قلب‌های خشکیده از خونی خبر می‌دهد که در جوارحش به جریان می‌افتد و وای بر احوال جاماندگان از این نعمت الهی که روزها و شب‌هایشان در تیرگی افکاری سپری می‌شود که خود بر جان ذلیلشان جاری نموده‌اند. مردگانی که در گورهای سنگی نیستند بلکه در گوشت و پوستی مخفی شده‌اند که هر روز با بیماری مهلکی به میدان می‌آیند تا منکر حقیقتی شوند که تمام هستی به مانند گردونه‌ای زیبا به دورش در حرکت است تا معمای بهشت و دوزخی را به تصویر بکشد که همگان امانت‌دارش هستند. آتشی که طبق فرموده‌ی پروردگار عالم بر قلب‌ها احاطه می‌کند تا حیات و ممات را در جان‌ها به نمایش درآورد، حیاتی که حق را در جوارحش به مانند گوهری گران‌بها حفظ می‌کند تا پرچمدار دولتی شود که همواره در ساعت‌ها و دقیقه‌های عمرش او را به مدد خوانده.

ای جانشین پیامبرم، من محتاج گرمای جان مطهرتان هستم تا جان پاره پاره شده از جهل زمان را با نام مبارکتان از تاریکی و تباهی به انوار این روز با برکت پیوند بزنم و ابراز دارم که با تمام سلول‌های وجودم شما را به مدد می‌خوانم با ندای:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

۲۳ بهمن ۱۴۰۲

حمد و سپاس پروردگار رئوف و رحیم را سزااست که آغوش پرمهرش تنها آمال و آرزوی بندگان مخلص بوده و جدایی از آن غم سنگین آنان، این غم آتش درونشان را شعله‌ور کرده و با مناجات‌هایی که حرارتش آفرینش را به فغان آورده آن را ابراز کردند و خداوند سبحان آنان را برای رسیدن به وصال خود یاری فرموده پس شکر بر برکاتی که پروردگار عالم فرمود: آنگاه که شمع وجود حق در عالم بیفروزد منادیان بر کرسی زمین و آسمان ندایی را زمزمه کنند که ای جان عالم زمزمه‌ای را که در جانت به ودیعه داری را با زبان حق فریاد کن تا پویندگانش آن را مانند شرابی گوارا بر جانشان بچشانند تا سینه‌هایشان از عطر آن به سخن درآید و اعلام کند: ای پروردگارم آن زمان که فرمان دادی از دامن پرمهرت جدا شویم به حلقه‌ی اشکی دامن پر جلالت را گرفتیم و به کوچکی و خواری خویش معترف گشتیم پس عرشیان به گدازه‌های این عشق بر ما گریستند و جان عالم در پوسته‌ی خویش ننگجید پس در لرزش‌های سخت کوه‌ها را در هم پیچید و دریاها را به خروش آورد. ماه و خورشید به تمنا به سجده درآمدند، ای خالق حیات بر خلیفه‌ی ما نظری کن تا عالم در هم نیچد و جهان متلاشی نگردد آنگاه نوری بر سیاهی جهل فرود آمد و نام خلیفه را از ظلمت جهل به نوری پرفروغ از پروردگار عالم بیفروخت و حیات در هدایت پیامبران زنده گشت.

چه زیبا سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهراى مرضیه (س) بی‌تابی خلیفه در هجران پروردگار را در غربت زمین توصیف کردند که ما آن را در عمل و گفتار خود ایشان و پدر گرامی‌شان حضرت محمد (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندان‌شان به عینه مشاهده کردیم.

امشب به میلاد دو تن از ایشان امام اباعبدالله الحسین (ع) و امام زین‌العابدین حضرت سجاد (ع) در این کوی عشق فرزندان دور هم جمع شدیم که این عشق آتشین را هزار و اندی سال است از دعای عرفه و حماسه‌ی کربلای امام حسین (ع) و

صحیفه‌ی سجاده‌ی امام سجاد (ع) عاشقان خواندند و شنیدند و با آن عشق و بندگی‌شان را به پیشگاه الهی ابراز نمودند و در فرازی از دعای عرفه‌ی امام حسین (ع) که ایشان چنین آتش عشق پروردگار را بیان فرمودند که: ای مولایم تویی که منت نهادی، نعمت دادی، احسانم کردی، روزی‌ام دادی، گرامیم داشتی، تویی که مرا آمرزیدی، یاریم کردی، تأییدم نمودی، عزیزم داشتی، شفایم بخشیدی، پرده‌ام پوشاندی. پروردگارا این است ثنای من بر تو برای تمجید و اقرار توحید با اخلاص و ذکر مهربانی‌ات بر من به قدری فراوان‌اند و آشکارند و از قدیم تابه‌حال که از شمارش بیرون‌اند و امام سجاد (ع) در مناجاتی چنین ابراز می‌دارند که: بار الها مناجاتم از کرم بشنو و دعایم مستجاب فرما، روزهای عمرم را با بی‌حاصلی به پایان مبر. دست رد به سینه‌ام نزن و مرا در جوار رحمت منزل ده. بار الها مجد و عظمت تو والاتر از آن است که کسی به ذاتش پی ببرد و احسانت افزون‌تر از آن است که کسی توان شکر گزاری بر کمترین آن داشته باشد.

پس در این روز میلاد باید بر آنان سلام کرد، سلامی از روی ارادت و اخلاص و مودت. سلام بر شما، گواهی می‌دهم که همانا روان‌های شما و نورتان و سرشتتان یکی است. همگی پاک و پاکیزه است. خداوند شما را به صورت نورهایی آفرید که گرداگرد عرش خود قرائتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و برگزید شما را برای نور خود و تأیید کرد شما را به روح خود و پسندید شما را برای جانشینی در زمینش تا که حجت‌هایی باشید بر مخلوقاتش.

شادی و سرور امشب ما به واسطه‌ی میلاد یکی دیگر از اهل بیت افزون است. این گهر نایاب اسوه‌ی شجاعت و رشادت و علم و معرفت و ادب و وفاداری حضرت ابوالفضل‌العباس (ع)، قمر منیر بنی‌هاشم است که صداقت و عشق و اخلاص را در بندگی پروردگار و بیعت امام عصر خود در تاریخ تا قیامت به نام ابوالفضل‌العباس ثبت نمود.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان، آخرین گنجینه و وارث همه‌ی حسنات اهل بیت پیامبرمان، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم:

مولای ما دست نیازمان را به تمنا به درگاه پروردگارمان بلند می‌کنیم تا اراده‌اش آشکار گردد و حق جاودان شود و باطل برای همیشه افسانه‌ی دهر و این ممکن نیست مگر به واسطه‌ی وجود مقدستان پس شما را می‌خوانیم برای تمام زمان‌ها تا قیامت.

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۵ اسفند ۱۴۰۲

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

سلام بر ساعاتی که به مانند صور در جان عالم به صدا درمی‌آید. آسمانیان به دیدنش می‌شتابند تا در چهره‌ای بنگرند که توصیف آیات کریمه است. آیاتی که مژده از مولودی می‌دهد که بقیه الله است و امروز بقیه الله آمد تا بندگی پروردگار را به نمایش بگذارد. اُمّتش تمنای دیدن چهره‌اش را دارند، چهره‌ای که دیدنش باطل را ذوب می‌کند. باطل از نفس‌ها جدا می‌شود تا عشقی را معنا کند که سرچشمه‌اش خلقت خلیفه است. جانشینی که فرماندهی کل عالم است. آسمان و زمین در اطاعتش سر تسلیم خم کرده‌اند و او فرماندهی جان‌هایی است که از الست آمده‌اند تا اطاعت را به نمایش درآورند. گرچه توان عقلشان رو به زوال است مانند نوری که انسان به دست خود می‌افروزد و هرگاه اراده کند آن را به ظلمت شب تبدیل می‌کند. ظلمت واژه‌ای است که هم اکنون بر قلب‌ها احاطه دارد. زبان‌ها به حمد و ثنا مشغول است تا گمشده‌ی وجود را در جانی جستجو کند که در برهوت اندیشه‌ای که همواره خود را در آئینه‌ی زمان مجاهدی خالص می‌بیند درحالی که سلاحی برای جنگ ندارد به میدان می‌رود و با جانی مجروح از نبردی بی‌حاصل باز می‌گردد.

امروز روز مرگ باطل است. پس مژده باد بر حق‌مداران که مولا و سرورشان آمد تا در دولتش عاشقانی را بر کرسی خلافت بنشانند که پادشاه مملکت جانی هستند که به مدال بندگی آراسته شده همانانی که منتظر امر جاء الحق و زهق الباطل هستند تا به دولتی پیوندند که امامش را می‌شناسند. او را در افسانه‌ی ذهنشان جستجو نمی‌کنند بلکه در کنار خود به مانند هدایتگری می‌بینند که دست یاری‌اش را محکم در دست گرفته‌اند تا گرمای وجودی را حس کنند که ظلمت جانیشان را به انوار اختر امامت می‌افروزد.

امروز نیمه شعبان است. زمین و آسمان سپاسگزار رحمتی است که بر کویر جان‌ها به مانند بارانی به وقت بارید تا نهال‌های مخفی از درون خاک جان‌ها سر بر دارد و به

درختی تنومند تبدیل شود. شاخ و برگش نشان از طراوت وجودی باشد که نام او را در صندوقچه‌ی جانش به مانند گوهری گران‌بها حفظ نموده و با هر دم و بازدمی او را خوانده به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب اول رمضان

۱۹ اسفند ۱۴۰۲

سلام بر ایام و بر روزها و شب‌هایش، بر فصل‌ها و سال‌هایش بر ساعت‌ها و لحظه‌هایش. بر آفریدگاری که مدبر امور عالم است تا مخلوقاتش در تدبیر آنچه در وجودشان نهاده شد به کمال برسند. کمال به معنی جان گرفتن اراده‌ی خلقت در تمام موجوداتش.

اینک ایام مزین است به ماه مبارک رمضان پس سلام بر ماه رمضان، بر بارش رحمتش، بر مناجات سحرگاهش، بر نفس‌های روزه‌دارانش، بر لقمه‌های پر از نور افطارش و شب‌های پر از خیر قدرش و بر نزول قرآن کریمش.

اینک آمده‌ایم تا آغاز کنیم مهمانی این ماه پر از خیر و برکت را و در دل با مولا و سرورمان اباصالح المهدی (عج) چنین نجوا کنیم: مولای من، ای روزگار حقیقی، روزهای عمرم در گذر ایام می‌گذرد. به خود می‌نگرم، حقیقت جانم را در آئینه‌ی دولتی می‌بینم که پروردگارم برایم ذخیره فرموده و من در هیاهوی وجودی که هزاران افسون از دنیایی که به آن دل‌بسته‌ام را در جستجوی این نعمت الهی هستم. باطل‌های وجودم در شعله‌ی هوس‌های نفس اماره مانع رسیدن انوار حق بر سرزمین سوخته‌ی جانم می‌شود. اکنون آمده‌ام تا با باران رحمت پروردگارم دانه‌ی عشق را در کشتزار جانی بکارم که به وعده‌های قرآن کریم دل‌بسته است. پس یاریم فرما تا قدردان نعمتی باشم که خود فرمودی خداوند از آن رو که شما را هدایت فرموده بر شما منت می‌گذارد.

ای روزگار حقیقی عالم، جانم در فراق شما پاره پاره گردیده، به فریاد زمانی برسید که کفر و نفاق، جان مردمان را به مانند صیادی ماهر در بند اسارت خویش می‌گیرد و پرده‌های حیا دریده شده، حرام‌ها حلال شده و همگان با میل و رغبت به‌سوی نابودی می‌روند و ما دست تمنا و امیدمان را به‌طرف مائده‌ای می‌گشاییم که هم‌اکنون بر سر سفره‌اش مهمان هستیم. پس دستمان را به درگاه پروردگار کریم بلند می‌کنیم که:

بارالها مرا در این ماه به مهمانی خودت و بر سر سفره‌ی احسانت فراخواندی و بر من منت نهادی و بنده‌نوازی کردی لیکن خجلم و می‌ترسم چون مهمانان این خوان پر رحمت را می‌شناسم و راه و رسم حضور آنان را در این مهمانی می‌دانم پس چگونه در کنار ایشان بر خوان نعمت‌هایش بنشینم ولی ای پروردگارم حرمت و عزت هر غلامی به شأن و بزرگی ارباب و مولایش بستگی دارد پس من که مولا و اربابی همچون یوسف زهرا دارم که بنده‌ی خاص و ولی و امام منتخب توست به حرمتش و بزرگی شأن و مقامش در نزد خودت مرا در این مهمانی بپذیر اگرچه لایق آن نیستم که وجود گهربار اوست که یادآور بزرگی‌ات و عزت و جلالت و یاور پیامبرت و نگهبان دینت است که برای ما حفظ فرمودی تا ما را از گمراهی نجات دهد و رهنما و هدایتگر به‌سوی صراط رستگاری و رضایت تو باشد و هم اوست که تکیه‌گاه و پناهگاه ما در سختی‌ها و سرگردانی‌هاست پس شکر و سپاس بی‌شمار و بی‌پایان تو را سزاوار است که چنین گوهر بی‌همتایی را با وجود ناسپاسی‌مان برایمان برگزیدی و او را پیشوایمان قرار دادی پس شکرمان را بپذیر و درود و سلامان را بر او و اجداد طاهرینش مخصوصاً بر پیامبر گرامی حضرت محمد (ص) بفرست و ما را نه تنها در این ماه بلکه در قیامت نیز در کنارش و در خدمتش و در فرمان‌بری‌اش گرامی بدار و به نعمت وجود مقدسش رحمت و نعمت بر ما ببخشا و به‌واسطه‌ی ایشان به ما هدایت و نجات عطا کن و دشمنانت که همانا دشمنان ایشان و ما هستند خوار و ذلیل گردان و حق را به وسیله‌اش پیروز و باطل را نابود کن و فریاد ما را برای ظهورش بپذیر

اللهم عجل لولیک الفرج